

۳
افقورود موشک‌های دوربرد
مجوز آمریکا به زلنسکی برای حمله به روسیه۵
تماشافاطمگل‌سازی
درباره سریال شغال۷
سلامتپرستار نداریم
کاهش شدید پرستار در کشور۷
آموزشکاهش سن ورود به مدرسه
طرح جدید مجلس علیه نظام آموزش

طرح اداره غزه

جزئیات پروژه تونی بلر

۳
جهان

یادداشت روز

بحران هویتی در سطح جمعی

مکانیسم ماشه و تأثیرات روانی آن بر جامعه ایران

الهام فخاری

روانشناس



در روزهای اخیر، بار دیگر واژه‌ای به نام «مکانیسم ماشه» در عرصه سیاسی و دیپلماتیک ایران شنیده می‌شود. این اصطلاح که به‌ویژه پس از توافق هسته‌ای برجام در سال ۲۰۱۵ مطرح شد به سازوکاری اطلاق می‌شود که در صورت نقض تعهدات هسته‌ای از سوی ایران، امکان بازگشت سریع تحریم‌های سازمان ملل را فراهم می‌آورد. به‌رغم ابعاد حقوقی و سیاسی این مکانیسم، تأثیرات آن فراتر از حوزه سیاست و دیپلماسی است و زندگی روزمره مردم ایران را به‌طور عمیقی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در این مقاله، به‌عنوان یک روانشناس، قصد دارم تا پیامدهای روانی و اجتماعی فعال‌سازی مکانیسم ماشه را از منظر روانشناسی اجتماعی بررسی کنم. مکانیسم ماشه به‌عنوان یک ابزار حقوقی و دیپلماتیک در دل توافق هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی طراحی شد. هدف آن جلوگیری از نقض تعهدات هسته‌ای ایران و بازگشت تحریم‌ها در صورت تخلف است. در ظاهر این یک مساله حقوقی و بین‌المللی است که میان دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی بازی می‌شود اما این سازوکار فراتر از یک تصمیم دیپلماتیک، اثرات عمیقی بر ساختار روانی جامعه ایران دارد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تأثیرگذار این مکانیسم، احساس تهدید و ناامنی است که به‌طور گسترده در سطح جامعه گسترش می‌یابد. فعال‌سازی مکانیسم ماشه به‌عنوان یک علامت خطر در عرصه بین‌المللی، جامعه را با احساس ناامیدی و اضطراب مواجه می‌کند. وقتی که فشارهای خارجی به‌ویژه در قالب تحریم‌ها دوباره بر دوش مردم قرار می‌گیرد، این بار سنگین نه تنها بر اقتصاد بلکه بر روان افراد نیز اثرگذار می‌شود. فعال‌سازی مکانیسم ماشه به سرعت به یکی از منابع اضطراب جمعی تبدیل می‌شود. در شرایطی که مردم در تلاش برای حفظ ثبات اقتصادی و اجتماعی خود هستند این احساس که تحریم‌ها بازمی‌گردند به‌طور طبیعی منجر به افزایش استرس و اضطراب در سطح جامعه می‌شود. فشار اقتصادی ناشی از بازگشت تحریم‌ها، به‌ویژه در شرایطی که در گذشته نیز تجربه چنین فشارهایی را داشته‌ایم، می‌تواند موجب ایجاد یک بحران روانی جمعی شود. این فشارها تنها محدود به مسائل اقتصادی نمی‌شود؛ بلکه تأثیرات عاطفی و روانی آن نیز به وضوح قابل مشاهده است. هنگامی که افراد به دلیل افزایش قیمت‌ها، بیکاری و کاهش امکانات زندگی با مشکلات جدیدی مواجه می‌شوند، احساس ناامیدی به تدریج در دل بسیاری از افراد شکل می‌گیرد. این ناامیدی می‌تواند به کاهش اعتماد به آینده و تضعیف روحیه ملی منجر شود. یکی از آثار عمیق‌تر فعال‌سازی مکانیسم ماشه، بحران هویتی است که در سطح جمعی به وجود می‌آید. وقتی تحریم‌ها دوباره اعمال می‌شوند بسیاری از افراد ممکن است، احساس کنند که در مقابل جامعه جهانی منزوی و شکست خورده‌اند. این احساس می‌تواند موجب بی‌اعتمادی به نهادهای حکومتی و کاهش حس تعلق به کشور شود. در چنین شرایطی، گروهی از افراد احساس می‌کنند که هویت اجتماعی‌شان تهدید شده و با احساس عدم امنیت روبه‌رو می‌شوند. این بحران هویت جمعی علاوه بر ایجاد احساس بی‌پناهی، موجب تضعیف سرمایه اجتماعی نیز می‌شود. اعتماد به نهادهای دولتی، به‌ویژه در شرایطی که نهادهای اجرایی قادر به جلوگیری از این تحولات نیستند، به‌شدت کاهش می‌یابد. در نهایت این کاهش اعتماد به دولت‌ها، جامعه را به سمت انفعال سیاسی و اجتماعی سوق می‌دهد. در چنین شرایطی، یکی از پیامدهای روانی و اجتماعی قابل توجه، تمایل بیشتر افراد به مهاجرت است. وقتی چشم‌اندازهای اقتصادی و اجتماعی برای نسل جوان تاریک می‌شود بسیاری از جوانان به‌ویژه کسانی که در حال شکل‌گیری زندگی و آینده خود هستند، احساس می‌کنند که هیچ آینده‌ای در داخل کشور برای آنها وجود ندارد. این حس ناتوانی و بی‌پناهی، در کنار تنگناهای اقتصادی، می‌تواند به مهاجرت انبوه منجر شود. از سوی دیگر بخش دیگری از مردم ممکن است به نوعی انفعال دچار شوند. وقتی که تغییرات در دسترس به‌نظر نمی‌رسد و نهادهای سیاسی برای مقابله با بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ناکارآمد می‌نمایند، برخی از افراد از مشارکت در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی دلسرد می‌شوند. این نوع انفعال اجتماعی، به نوبه خود، می‌تواند موجب رکود در فرآیندهای اصلاحی و توسعه‌ای در کشور شود. مکانیسم ماشه، اگرچه از منظر حقوقی یک سازوکار پیچیده است اما اثرات روانی آن بر جامعه ایران به‌ویژه در این دوران حساس بسیار عمیق است. فشارهای اقتصادی، بحران هویت، کاهش اعتماد عمومی و مهاجرت افراد تنها بخشی از پیامدهای اجتماعی و روانی فعال‌سازی این مکانیسم هستند.

دولت آتش‌نشان

دولت پزشکیان با فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها، ناگزیر شده به‌جای برنامه‌ریزی بلندمدت همچون آتش‌نشان‌ها، بی‌وقفه درگیر مهار بحران‌های روزانه شود؛ از کمبود دارو تا نوسان ارز و ... در چنین وضعیتی، سیاست‌گذاری به واکنش بدل می‌شود و توسعه، قربانی اضطراب و بقا می‌گردد سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است



سازندگی: یک سال پس از وعده‌هایی برای عبور از بحران، پزشکیان و همکارانش در دولت، ناگهان با تحریم‌های خردکننده‌ای روبه‌رو شده‌اند که اساس دولت او و مردم ایران را هدف قرار داده‌اند و دولت را از مسیر برنامه‌ریزی بلندمدت منحرف کرده و به جبهه تأمین روزانه نان، دارو و آرامش روانی مردم کشانده است. دولت پزشکیان که بنا بود فرصتی برای توسعه باشد با فعال شدن مکانیسم ماشه رسماً به دولتی برای تأمین معیشت تبدیل شد. فشار روانی تحریم‌های پیش‌رو، محدودیت‌های ارزی و کسری بودجه مزمن باعث شده که اولویت دولت از برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت به تأمین نیازهای روزمره مردم تغییر کند. دیروز در حالی که در مجلس تحركات جدی برای اجرایی شدن مکانیسم کالابریک در جریان بود، مسعود پزشکیان در مراسم گرامیداشت روز آتش‌نشانی با تأکید بر اراده ملت، گفت: «انتخاب با ملت ماست؛ یا باید سر خم کنیم یا باید بایستیم».

ادامه در صفحه ۲





سال هشتم شماره ۲۰۷۴
سه‌شنبه ۸ مهر ۱۴۰۴

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

دیدگاه: یادداشت سیاسی

در سایه بحران‌ها

از اقتصاد بحران‌زده تا تهدید جنگ؛
پزشکیان چگونه ایستاد؟



عاطفه شمس

گروه سیاسی

سایت خبری «عصر ایران» در یادداشتی با عنوان «آقای پزشکیان! استعفا می‌کنید یا توضیح می‌دهید؟» کوشیده است، عملکرد بیش از یک سال گذشته ریاست جمهوری مسعود پزشکیان را به چالش بکشد. نگارنده آن یادداشت با اشاره به وعده‌های انتخاباتی پزشکیان، او را در موقعیت دشوار «توضیح یا استعفا» قرار داده است. این نقد، پاسخی است به آن یادداشت و کوششی برای روشن کردن بخش مهمی از واقعیت‌هایی که در تحلیل عصر ایران نادیده مانده است.

نخست باید یادآور شد که پزشکیان با آگاهی کامل از موانع و ساختارهای پیچیده وارد انتخابات شد اما همواره تأکید داشت که حتی در سخت‌ترین شرایط هم باید «روایت صادقانه» با مردم داشت. همین صداقت، بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی او بوده و هست. در یک سال گذشته نیز همین صداقت باعث شد، بسیاری از بحران‌های احتمالی پیش از شکل‌گیری فروکش کند. نمونه روشن آن، تصمیم شجاعانه در برابر اجرای طرح عفاف و حجاب بود. در شرایطی که اجرای کامل آن قانون می‌توانست جامعه را به ورطه بحران بکشانند، پزشکیان عملاً جلوی یک انفجار اجتماعی را گرفت.

نویسنده عصر ایران درست می‌گوید که رئیس‌جمهور در ساختار سیاسی ایران محدودیت‌های جدی دارد؛ اما او از یاد برده که در همین محدودیت‌ها نیز تفاوت میان رؤسا آشکار است. اگر رئیس‌جمهوری چون پزشکیان بر مسند باشد همان یک رأی در جلسات سران قوا می‌تواند، مسیر تصمیمی ملی را تغییر دهد. تجربه نشان داده که او برخلاف بسیاری از پیشینیان، منفعلانه در جلسات شرکت نکرده بلکه بارها بر اولویت‌های مردم پای فشرده است. به علاوه نباید فراموش کرد که دولت پزشکیان، وارث شرایط اقتصادی و اجتماعی ویران شده‌ای بود. نرخ تورم، بحران ارزی، بی‌اعتمادی عمومی و شکاف‌های اجتماعی همه میراث سال‌های قبل بود. انتظار اینکه ظرف یک سال همه وعده‌ها محقق شود، انتظاری غیرواقع‌بینانه است. مهم آن است که مسیر تغییر آغاز شده؛ از شفاف‌سازی در تخصیص بودجه‌های رانتی گرفته تا آغاز گفت‌وگوهای سازنده در سیاست خارجی که فضای روانی جامعه و بازار را بهبود بخشیده است. همین اقدامات کوچک اما مستمر، امید را در بدنه جامعه زنده نگاه داشته است.

اما آنچه در یادداشت عصر ایران نادیده گرفته شده، شرایطی است که دولت پزشکیان در آن قرار گرفت و آن حمله اسرائیل به ایران همراه با تشدید فشارهای حقوقی و دیپلماتیک از جمله فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌هاست که بخش مهمی از آن، میراث تدریجیها در دولت‌های قبل بود و عملاً کشور را در وضعیت جنگی و دولت را در وضعیتی استثنایی قرار داد. در چنین شرایطی، رئیس‌جمهور در مقام عالی‌ترین مقام اجرایی، نقشی مهم در کنترل بازارها همچنین هماهنگی سیاسی و دیپلماتیک ایفا کرد و نتیجه این شد که پیام بازدارندگی منتقل شد بدون آنکه کشور به ورطه بحران داخلی یا جنگی فرسایشی و پرهزینه بیفتد.

پزشکیان برخلاف برخی از رؤسای جمهور پیشین به دام نمایش نیفتاده است. او دروغی به جامعه ن فروخته، وعده‌های جدیدی نداده تا کمبودهای گذشته فراموش شود بلکه تلاش کرده، واقعیت‌ها را همان‌طور که هست به مردم بگوید. شاید به همین دلیل است که برخی رسانه‌ها از او می‌خواهند، توضیح بدهد یا استعفا کند. این واقعیت را نیز باید پذیرفت که جامعه ایران امروز بیش از هر چیز به مدیریت بحران نیاز دارد. پزشکیان در یک سال گذشته نشان داده که نه تنها در این عرصه توانمند است بلکه به‌دلیل سابقه علمی و اخلاقی‌اش، اعتماد عمومی بیشتری نسبت به او وجود دارد. کافی است، تصمیم‌های او را در حوزه دارو و سلامت عمومی بررسی کنیم؛ کاهش قیمت نسبی برخی داروهای حیاتی، افزایش واردات اقلام ضروری و بهبود نسبی دسترسی بیماران خاص از دستاوردهایی است که نمی‌توان نادیده گرفت. پس نقد منصفانه به عملکرد دولت باید بر پایه واقعیات باشد نه بر اساس مطالبه‌ای حد‌اکثری که هیچ رئیس‌جمهوری در ایران، امروز توان تحقق کامل آن را ندارد. پزشکیان اگرچه هنوز در آغاز راه است اما دست‌کم نشان داده که صادقانه می‌ایستد، از مردم پنهان‌کاری نمی‌کند و در بزنگاه‌ها شجاعانه تصمیم می‌گیرد. بنابراین به جای پرسش «استعفا می‌کنید یا توضیح می‌دهید؟» باید پرسید که اگر پزشکیان نبود، امروز جامعه ایران چه وضعی داشت؟ این پرسش شاید بهترین معیار برای داوری درباره یک سال نخست ریاست جمهوری او باشد.

ادامه تیتربک

دولت آتش‌نشان



بلکه امکان تأمین کالاهای اساسی، دارو و نهاده‌های تولید را با سرعت و پایداری بیشتری فراهم می‌آورد و نقش مهمی در سیاست‌های کوتاه‌مدت معیشتی دولت ایفا خواهد کرد. در روزهای گذشته یکی از گزاره‌های مهم این بوده که مردم ایران در دهه ۱۳۸۰ تجربه تحریم‌های همه‌جانبه را از سر گذرانده‌اند و اکنون نیز می‌توانند این شرایط را پشت سر بگذارند. این گزاره یک تله بزرگ دارد؛ اینکه شرایط فعلی ایران با وضعیت دهه ۱۳۸۰ تفاوت‌های قابل توجهی دارد که بر شدت و نحوه مدیریت تحریم‌ها تأثیر می‌گذارد. در دهه ۱۳۸۰ تحریم‌ها عمدتاً محدود به بخش‌های بانکی و نفتی بودند و اقتصاد کشور هنوز از برخی ذخایر ارزی و منابع داخلی برخوردار بود که امکان تعدیل فشارها را فراهم می‌کرد. در آن زمان ساختار تولید داخلی کمتر وابسته به واردات بود و بخش قابل توجهی از کالاهای اساسی و نهاده‌های تولید داخل تأمین می‌شد بنابراین تأثیر شوک‌های ارزی تا حدی کنترل‌پذیر بود. اما اکنون تحریم‌ها همزمان در چند جبهه اعمال می‌شوند و دامنه آنها گسترده‌تر است به طوری که محدودیت در دسترسی به ارز، کالاهای اساسی، دارو و فناوری‌های کلیدی همزمان فشار ایجاد می‌کند. همچنین وابستگی تولید داخلی به واردات بیشتر شده و ذخایر ارزی موجود محدودتر است، در حالی که تورم و کسری بودجه مزمن به سطح بالاتری رسیده‌اند. علاوه بر این در دهه ۱۳۸۰ شبکه‌های تجاری و مسیرهای جایگزین بین‌المللی هنوز قابل استفاده بودند اما امروز محدودیت‌های بین‌المللی شدیدتر و جایگزین‌های تجاری محدودتر شده است. بنابراین دولت کنونی در مواجهه با تحریم‌ها با ترکیبی از فشارهای اقتصادی، محدودیت منابع و نیاز شدید به تأمین معیشت مردم روبه‌روست که سطح پیچیدگی و فوریت مدیریت آن از دهه ۱۳۸۰ به مراتب بالاتر است.

بنا به پیش‌بینی اقتصاددانان در آینده نزدیک اقتصاد ایران تحت فشارهای متعددی قرار می‌گیرد؛ از یک سو، فعال شدن مکانیسم ماشه و تشدید تحریم‌ها، جریان ورودی ارز و دسترسی به منابع مالی بین‌المللی را محدود می‌کند و از سوی دیگر، جریان تجارت خارجی با مشکلات زیادی مواجه می‌شود. کسری بودجه مزمن، که در سال‌های اخیر به دلیل کاهش درآمدهای نفتی و محدودیت‌های تجاری تشدید شده، دولت را به سمت پولی‌سازی کسری بودجه سوق داده است. بانک مرکزی اگرچه وعده کنترل روند‌های خلق پول را داده اما واقعیت‌های اقتصادی نشان می‌دهد که افزایش تورم در ماه‌های آینده اجتناب‌ناپذیر است. این اتفاق به‌ویژه در شرایطی که دولت برای تأمین کالاهای اساسی و دارو به ارز نیاز دارد، فشار مضاعفی بر منابع محدود ارزی وارد می‌کند. وابستگی به تأمین ارز برای کالاهای اساسی، دارو و نهاده‌های تولید، در حالی که ذخایر ارزی تحت فشار تحریم‌ها قرار دارد، دولت را در موقعیت شکننده‌ای قرار داده است. در این میان به عقیده برخی اقتصاددانان نزدیک به حاکمیت، توانایی دولت در یافتن راه‌های جایگزین برای تأمین ارز مانند گسترش تجارت با کشورهای همسایه یا استفاده از ظرفیت‌های تها‌تی می‌تواند، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش فشار تحریم‌ها داشته باشد. با این توصیف به نظر می‌رسد، مسیر تأمین کالاهای مورد نیاز کشور بیشتر به سمت همکاری‌های تها‌تی با چین و هند هدایت خواهد شد. این دو کشور به دلیل ظرفیت بالای تولید، تنوع کالاهای و انعطاف‌پذیری در روابط تجاری می‌توانند، جایگزینی مهم برای منابع محدود ارزی و مسیرهای وارداتی سنتی باشند. به عقیده استراتژیست‌های نزدیک به حاکمیت، بهره‌گیری از این مسیرها نه تنها به کاهش فشار تحریم‌ها کمک می‌کند

هم‌زمان، معاون اول رئیس‌جمهور رسماً اولویت دولت را تأمین معیشت مردم اعلام کرد. این موضع‌گیری‌ها نشان می‌دهد که از این پس باید شاهد تغییر چشمگیر ریل سیاست‌گذاری و ادبیات سیاسی باشیم؛ ادبیاتی که بر مقاومت و استقامت در برابر فشارهای بیرونی تأکید دارد و سیاست‌هایی که آغاز دوره‌ای از ریاضت اقتصادی و تمرکز بر مدیریت محدودیت‌ها و بحران‌های معیشتی را رقم می‌زند.

از آن سو، نمایندگان مجلس و مخالفان دولت نیز از این وضعیت در جهت فشار به دولت سواستفاده کرده و تلاش می‌کنند هم‌زمان با فشار خارجی، آنها نیز به نارضایتی داخلی دامن بزنند و به بهانه‌های مختلف، وزرا را نیز به میدان استیضاح بکشانند.

با این حال تلاش دولت و جبهه وفای در حال حاضر تأمین نیازها و مایحتاج مردم است. به طور مشخص، محمدرضا عارف با بیان اینکه وظیفه دولت تأمین مایحتاج مردم برای رفع نگرانی‌هاست، گفت: «حفظ آرامش جامعه مهم‌ترین دستاورد جنگ اخیر بود که با تلاش‌های مسئولان مختلف، فروشگاه‌ها مملو از کالاهای مورد نیاز مردم شد و ادامه این اقدامات، راهبرد اصلی و اساسی دولت است». محمدرضا عارف با اشاره به اینکه «تجربه جنگ ۱۲ روزه تحمیلی نشان داد که اگر آمادگی کامل داشته باشیم، دشمن نمی‌تواند کاری از پیش ببرد»، گفت: «باید با عوامل بر هم زنده ثبات و آرامش بازار و تغییرات ناگهانی قیمت‌ها برخورد و پس از ارزیابی و رفع اشکالات تجارب گذشته از همه دستاوردها و اقدامات در طول سالیان گذشته استفاده کنیم». ظاهراً مهم‌ترین محور سیاست‌های اقتصادی دولت در شرایط کنونی را می‌توان در سه بخش خلاصه کرد؛ تأمین کالاهای اساسی و دارو از طریق ذخیره‌سازی و تخصیص ارز برای واردات، مدیریت کسری بودجه با وجود وعده بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی که افزایش پایه پولی و تورم اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد و حفظ آرامش روانی جامعه با پر کردن قفسه‌های فروشگاه‌ها و نمایش مدیریت نسبی بازار به‌منظور جلوگیری از بروز نگرانی و اعتراض‌های اجتماعی.

ظاهراً جمع‌بندی نهادهای دولتی این است که اگر دولت در شرایط کنونی نتواند، شرایط را به‌خوبی مدیریت کند و به‌طور مشخص موفق به تأمین منابع مالی و بودجه خود نشود، احتمال بروز بحران‌های اجتماعی وجود دارد. دولت بر بر این باور است که برای مقابله با آثار تشدید تحریم‌ها، ضروری است تأمین ارز کشور بدون وقفه ادامه یابد و ذخایر کالاهای اساسی به میزان کافی نگهداری شود. همچنین به زعم تصمیم‌گیران اقتصادی باید حساسیت ویژه‌ای نسبت به تأمین ارز مورد نیاز حوزه دارو وجود داشته باشد تا با کمبود مواجه نشویم. رئیس‌کل بانک مرکزی اطمینان داده که با رعایت این موارد و در صورت عدم بروز رخداد‌های غیرمنتظره، می‌توان تا پایان سال امور اقتصادی را بدون مشکلات اساسی پیش برد. با این توصیف سال آینده، سالی سخت‌تر خواهد بود. آیا دولت می‌تواند شرایط فعلی را مدیریت کند؟

حاشیه

شورای ۱۲نفره و هتل ۱۵ طبقه

شایعه‌ای که از شبکه سوم سیما علیه شورای نگهبان منتشر شد

دلیل مشکلات مالی نیمه‌تمام مانده است». کلاه‌دوز همچنین با انتقاد از رسانه ملی تأکید کرد: «انتظار می‌رود صداوسیما و کارشناسان مذهبی در برنامه‌های پرمخاطب، به جای تکیه بر شنیده‌ها با اطلاعات نادرست، با دقت و مسئولیت‌پذیری بیشتری سخن بگویند. یک شایعه کوچک در تلویزیون می‌تواند به سرعت در افکار عمومی بازتاب یابد و اعتماد مردم را نسبت به رسانه رسمی خدشه‌دار کند». در ادامه این ماجرا، مجری برنامه تلویزیونی نیز به ناچار توضیح داد که اطلاعات ارائه شده توسط کارشناس اشتباه بوده است: «در هر برنامه‌ای ممکن است سخنی از سوی مجری، کارشناس یا میهمان مطرح شود که نادرست باشد. بررسی‌ها نشان داد، شورای نگهبان نه در مشهد و نه در هیچ جای کشور هتل یا مرکز اقامتی و تفریحی ندارد».

ماجرای «هتل ۱۵ طبقه شورای نگهبان» فراتر از یک شایعه،

گروه سیاسی: در روزهای اخیر، انتشار ادعایی در یکی از برنامه‌های تلویزیونی درباره ساخت «هتل ۱۵ طبقه» توسط شورای نگهبان در مشهد، بازتاب گسترده‌ای در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی داشت. در این برنامه کارشناس مسائل اجتماعی و تربیت دینی مدعی شد، شورای نگهبان در مشهد مالک «هتلی ۱۰ تا ۱۵ طبقه با صدها اتاق و تخت» است. اما دفتر روابط عمومی شورای نگهبان خیلی زود وارد عمل شد و روایت رسمی را ارائه داد. عباس کلاه‌دوز، از اعضای این دفتر، در یادداشتی در شبکه اجتماعی ایکس‌نوشت: «شورای نگهبان هیچ‌گاه و در هیچ نقطه کشور هتل یا مجتمع تفریحی نداشته و ندارد. آنچه در مشهد وجود دارد، یک مجتمع آموزشی-فرهنگی است که هدف از آن، آموزش و توانمندسازی حدود ۳۰۰ هزار ناظر مردمی انتخابات است. این ساختمان نه ۱۵ طبقه بلکه فقط ۵ طبقه دارد و به

نشانه‌ای از ضعف عمیق در سازوکارهای نظارتی و حرفه‌ای صداوسیماست. رسانه‌ای که خود را ملی می‌نامد، نمی‌تواند هر بار پس از انتشار خطا با یک توضیح یا عذرخواهی ساده از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند. تکرار چنین اشتباهاتی ثابت می‌کند که در تلویزیون نه فرآیند جدی صحت‌سنجی وجود دارد و نه حساسیتی متناسب با جایگاه این رسانه بر سر اعتبار و اعتماد عمومی. وقتی کارشناسان بدون پشتوانه اطلاعاتی و راستی‌آزمایی در آنتن زنده اظهارنظر می‌کنند، نتیجه چیزی جز تضعیف سرمایه اجتماعی و فرصت‌سازی برای جریان‌های معارض نخواهد بود. صداوسیما اگر واقعا ملی است باید پیش از هر چیز ملی‌ترین سرمایه کشور یعنی اعتماد مردم را پاس بدارد و این بدون اصلاح ساختارها، تغییر رویکرد و پابندی جدی به اصول حرفه‌ای رسانه‌ای امکان‌پذیر نیست، ضرورتی که سال‌هاست در این سازمان نادیده گرفته شده است.

طرح اداره غزه

جزئیات پروژه تونی بلر که با حمایت کاخ سفید و سکوت اسرائیل تدوین شده است

گروه بین‌الملل: طرح تازه‌ای که توسط تونی بلر، نخست‌وزیر اسبق بریتانیا، برای اداره نوار غزه در دوران پساجنگ تدوین شده، ساختاری چندلایه و سلسله‌مراتبی را پیشنهاد می‌دهد که هدف آن ایجاد یک نهاد بین‌المللی انتقالی با پشتیبانی سازمان ملل است. روزنامه اسرائیلی هآرتص نسخه کامل این سند را منتشر کرده و از جزئیات آن پرده برداشته است. بر اساس این سند، نهادی با نام «سازمان انتقالی بین‌المللی غزه» (GITA) زیر نظر شورای امنیت سازمان ملل فعالیت خواهد کرد. این نهاد اختیارات گسترده‌ای در زمینه امنیت، قانون‌گذاری، مدیریت اجرایی و هماهنگی دیپلماتیک خواهد داشت. طبق اطلاعات منتشر شده، ریاست این ساختار به‌عنوان بالاترین مقام اجرایی غزه تعریف شده و احتمالاً تونی بلر خود این سمت را برعهده خواهد گرفت. مسئولیت‌های او شامل هدایت دیپلماسی با کشورها، تعامل با سازمان‌های بین‌المللی و اهداکنندگان و هماهنگی امنیتی با اسرائیل، مصر و آمریکا خواهد بود. یک منبع اسرائیلی تأکید کرده که این طرح با حمایت کاخ سفید مواجه شده و تاکنون واکنش منفی آشکاری از سوی تل‌آویو دریافت نکرده است.

هیات مدیره GITA شامل ۷ تا ۱۰ عضو خواهد بود. نام‌هایی همچون سبک‌رید گاک (نماینده و یژه سازمان ملل)، مارک روان

(سرمایه‌دار یهودی-آمریکایی)، نقیب ساویریس (میلیاردر مصری) و آریه لایتستون (رئیس مؤسسه توافق ابراهیم) در فهرست گزینه‌های احتمالی دیده می‌شود. در سند تأکید شده که حضور چهره‌های مسلمان با پشتوانه سیاسی و اقتصادی برای تضمین مشروعیت منطقه‌ای ضروری است. زیر نظر این هیات، دبیرخانه اجرایی به‌عنوان مرکز اداری و ۵ کمیسر تخصصی فعالیت خواهند کرد: امور بشردوستانه، بازسازی، قانون‌گذاری و نظارت حقوقی، امنیت و هماهنگی با تشکیلات خودگردان. اجرای طرح در میدان نیز برعهده «اداره اجرایی فلسطین» خواهد بود؛ نهادی که مستقل از تشکیلات خودگردان طراحی شده و با الگویی تکنوکراتیک، وظیفه خدمات‌رسانی مستقیم به ساکنان غزه را خواهد داشت.

بخش امنیتی از مهم‌ترین محورهای طرح است. کمیسر امنیتی GITA اختیار کامل بر مسائل امنیتی خواهد داشت. سه نهاد امنیتی تعریف شده‌اند: واحد حفاظت اجرایی برای تأمین امنیت مقامات GITA با مشارکت نیروهای نخبه عربی و بین‌المللی، نیروی پلیس مدنی غیرحزبی و حرفه‌ای زیر نظر اداره اجرایی فلسطین و نیروی تثبیت‌کننده بین‌المللی برای کنترل گذرگاه‌های مرزی، مسیرهای دریایی و مناطق مرزی با اسرائیل

و مصر و نیز مقابله با قاچاق سلاح و تهدیدهای نامتقارن. این بخش از طرح به‌طور مستقیم با موضوع بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، که بر مسئولیت انحصاری تل‌آویو بر امنیت غزه تأکید دارد، در تضاد قرار می‌گیرد.

مقامات GITA در سال نخست در غزه مستقر نخواهند بود و از شهرهایی مانند العریش، قاهره و عمان فعالیت خواهند کرد. در سال دوم، بخشی از ساختار اجرایی به غزه منتقل می‌شود و تنها در سال سوم استقرار کامل محلی پیش‌بینی شده است. بر اساس سند، بودجه ۳ ساله این نهاد برای هزینه‌های مدیریتی ۹۰ میلیون دلار در سال اول ۱۳۳.۵ میلیون دلار در سال دوم و ۱۶۴ میلیون دلار در سال سوم برآورد شده است. این مبالغ شامل هزینه‌های بازسازی و کمک‌های بشردوستانه نمی‌شود. اگرچه

در طرح تأکید شده که هدف نهایی، انتقال تدریجی مدیریت به تشکیلات خودگردان فلسطین است اما زمان‌بندی مشخصی برای این مرحله تعیین نشده است. منابع دیپلماتیک می‌گویند، نسخه اخیر این سند کمتر از دو هفته پیش تدوین شده و نسبت به طرح‌های پیشین تغییراتی داشته است. طرح تونی بلر تلاشی است برای بازتعریف ساختار حکمرانی در غزه با اتکا به سازمان ملل و مشارکت بین‌المللی. با این حال ابهام در انتقال قدرت به فلسطینی‌ها، حساسیت‌های امنیتی و تضاد با مواضع اسرائیل، چالش‌های جدی در مسیر اجرای آن به شمار می‌آید. کاخ سفید معتقد است که در آستانه دیدار دونالد ترامپ با بنیامین نتانیاهو، توافق صلح برای غزه بسیار نزدیک است. باید دید پس از این دیدار توافقی حاصل خواهد شد یا خیر؟

دیپلماسی

بیانیه ضد ایرانی اروپا

تحریم‌های اقتصادی و مالی دوباره اعمال شد

گروه بین‌الملل - در تاریخ دوشنبه ۷ مهر ۱۴۰۴ اتحادیه اروپا بدون توجه به تلاش‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران برای کاهش اختلافات در پرونده هسته‌ای، بازگشت تحریم‌ها علیه تهران را رسماً اعلام کرد. این اقدام در چارچوب سازوکار پس‌گشت (استنپ‌بک) و همسو با مواضع ایالات متحده انجام شد. اتحادیه اروپا اعلام کرده است که مجموعه‌ای از تحریم‌ها که پیش‌تر در سال ۲۰۱۵ در چارچوب برجام به حالت تعلیق درآمده بودند، دوباره اعمال خواهند شد. این تصمیم پس از عدم تمدید لغو تحریم‌های سازمان ملل و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی اتخاذ شد. در هفته‌ها و روزهای گذشته، وزیر امور خارجه ایران، سیدعباس عراقچی، همراه با هیات دیپلماتیک کشور، تلاش‌های گسترده‌ای برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها انجام دادند. این تلاش‌ها شامل مذاکره مستقیم با تروئیکا اروپایی، ازسگیری همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قاهره و ارائه پیشنهادهای سازنده در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل بود. با این حال اتحاد سه کشور اروپایی با ایالات متحده، مانع از نتیجه‌بخش بودن این اقدامات شد. تحریم‌های بازاعمال شده شامل ممنوعیت سفر برای افراد مشخص، مسدودسازی دارایی‌ها، محدودیت در ارائه وجوه و منابع اقتصادی به افراد و نهادهای فهرست شده و تحریم‌های اقتصادی و مالی بخش‌های تجارت، مالی و حمل‌ونقل است. علاوه بر این صادرات سلاح، انتقال فناوری مرتبط با غنی‌سازی و برنامه موشکی، واردات نفت خام و گاز طبیعی، فروش تجهیزات انرژی، فلزات گرانبها، الماس و برخی تجهیزات دریایی و نرم‌افزارها به ایران ممنوع شده است. در حوزه مالی، اتحادیه اروپا دارایی‌های بانک مرکزی و بانک‌های عمده ایران را مسدود کرده و دسترسی پروازهای باری ایران به فرودگاه‌های اروپایی و خدمات تعمیر و نگهداری هواپیماها یا کشتی‌های حامل کالاهای ممنوعه را محدود کرده است. این مجموعه اقدامات بازگشت تحریم‌های گسترده علیه ایران را در حوزه‌های هسته‌ای، مالی و تجاری رقم می‌زند و پیام روشنی از موضع سختگیرانه اروپا در هماهنگی با ایالات متحده ارسال می‌کند.



اکنون اما تصمیم احتمالی ترامپ برای ارسال این موشک‌ها، نشانه‌ای روشن از تغییر سیاست واشنگتن است؛ تغییری که بی‌تردید واکنش‌های گسترده‌ای در سطح بین‌المللی به‌دنبال خواهد داشت.

تأثیر نظامی

جنگ کنونی اوکراین اغلب به‌عنوان جنگی فرسایشی توصیف می‌شود؛ نبردی که در آن روسیه به‌واسطه توانایی بالاتر در حملات موشکی و هوایی دوربرد، برتری نسبی دارد. ورود تاماهاوک‌ها به میدان نبرد می‌تواند این معادله را دگرگون کند. با در اختیار داشتن چنین تسلیحاتی، اوکراین قادر خواهد بود مراکز فرماندهی، انبارهای مهمات، خطوط تدارکاتی و حتی پایگاه‌های نظامی در عمق خاک روسیه را هدف قرار دهد. این اقدام نتهت‌ناشین جنگی روسیه را از نظر لجستیکی تحت فشار قرار می‌دهد بلکه مسکو را ناگزیر می‌کند، منابع بیشتری برای دفاع از خاک خود اختصاص دهد.

انتقال جنگ به داخل روسیه

توانایی اوکراین در هدف قرار دادن شهرهای بزرگی مانند مسکو، بُعد تازه‌ای از جنگ را رقم خواهد زد. چنین اقدامی روایت رسمی روسیه که همواره جنگ را «عملیات نظامی ویژه در خارج از مرزها» معرفی کرده به چالش می‌کشد. با این تحول، جنگ مستقیماً به جامعه روسیه منتقل خواهد شد و فشارهای اجتماعی و سیاسی بر کرملین برای تجدیدنظر در راهبرد خود افزایش خواهد یافت.

پر کردن شکاف راهبردی اوکراین

یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های اوکراین در برابر روسیه، فقدان سامانه‌های دوربرد مؤثر بوده است. تاکنون کریف برای پاسخ به حملات موشکی روسیه، ابزار مناسبی در اختیار نداشت و بیشتر به سامانه‌های دفاعی متکی بود. تاماهاوک‌ها می‌توانند این شکاف راهبردی را پر کنند و به اوکراین امکان دهند در سطحی برابرتر با روسیه وارد میدان شود.

تغییر معادله با تشدید بحران؟

اگرچه ارسال موشک‌های تاماهاوک به‌تنهایی تعیین‌کننده سرنوشت جنگ نخواهد بود اما بی‌تردید می‌تواند هزینه‌های مسکو برای ادامه جنگ را افزایش داده و معادلات میدانی را دگرگون کند. از سوی دیگر این اقدام ممکن است، خطر گسترش درگیری و حتی تشدید تقابل مستقیم میان ناتو و روسیه را افزایش دهد. از همین رو تصمیم نهایی ترامپ در این زمینه نه‌تنها برای اوکراین و روسیه بلکه برای کل نظم امنیتی اروپا اهمیت راهبردی دارد. تاماهاوک‌ها شاید در ظاهر تنها یک ابزار نظامی باشند اما در واقع نماد تغییر رویکرد واشنگتن و آزمونی بزرگ برای آینده جنگ اوکراین محسوب می‌شوند.



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



با ورود جنگ اوکراین و روسیه به چهارمین سال خود و نبود چشم‌اندازی روشن برای پایان آن، تحولات تازه‌ای در روابط واشنگتن و کریف در حال شکل‌گیری است؛ تحولاتی که می‌توانند به‌طور جدی معادلات میدانی را دگرگون کند. در کانون این تحولات، احتمال تحویل موشک‌های کروز «تاماهاوک» به اوکراین قرار هست. کیث کلوگ، نماینده ویژه آمریکا در امور اوکراین در گفت‌وگویی با شبکه فاکس‌نیوز اعلام کرد که اوکراین تحت شرایط خاص و با مجوز واشنگتن، مجاز به انجام حملات دوربرد در داخل خاک روسیه خواهد بود. او در پاسخ به پرسشی درباره موضع رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، در این زمینه گفت: «پاسخ مثبت است؛ از توانایی حمله عمیق استفاده کنید. هیچ پناهگاه امنی وجود ندارد». این اظهارات در حالی مطرح شد که ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک مستقیماً از ترامپ درخواست تحویل موشک‌های تاماهاوک را مطرح کرده بود. بنا بر گفته کلوگ، تصمیم نهایی درباره مجوز چنین حملاتی تنها بر عهده ترامپ است و او به صورت موردی و در هر عملیات مشخص، تصمیم‌گیری خواهد کرد.

ورود معاون ترامپ به معادله

جی.دی. ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا نیز از بررسی جدی این گزینه در سطح دولت خبر داده و اعلام کرده که ایالات متحده برای نخستین بار در حال ارزیابی امکان تأمین موشک‌های کروز تاماهاوک برای ناتوست تا این تسلیحات از طریق این پیمان به اوکراین منتقل شوند. ونس تأکید کرده که این روند با همکاری نزدیک شرکای اروپایی انجام خواهد شد؛ نشانه‌ای از تلاش واشنگتن برای ایجاد اجماع غربی و مدیریت مشترک تبعات این تصمیم.

واکنش تند کرملین

در مسکو، دبیرتری پسکوف، سخنگوی کرملین به سرعت به این تحولات واکنش نشان داد و گفت: «اما قطعاً این اظهارات را شنیده‌ایم و در حال بررسی آنها هستیم. به دنبال درک تهدیدات بالقوه‌ای هستیم که این اقدام واشنگتن ایجاد می‌کند و مشخص

گالری دوستی‌ها

کشف سه داستان منتشرنشده از **ویرجینیا وولف**



سه داستان خنده‌دار، گاه سوررئال و به‌هم پیوسته نوشته‌ی ویرجینیا وولف که در کنار هم یک زندگی‌نامه طنز از یک دوست خانوادگی را شکل می‌دهند و به تازگی کشف شده‌اند، قرار است ماه آینده میلادی منتشر شوند.

روزنامه‌ی «گاردین» در این خصوص نوشت «زندگی وایولت» از مری وایولت دیکنسون الهام گرفته شده است. دیکنسون وقتی ویرجینیا وولف ۲۰ ساله بود با او دوست شد و بعدها بسیاری از نوشته‌های اولیه‌اش را خواند، او را به یکی از نخستین ویراستارانش و جمع بزرگی از دوستان اشرافی معرفی کرد و پس از فروپاشی عصبی او در سال ۱۹۰۴ از او مراقبت کرد.

این داستان‌ها طنزآمیز، خیال‌انگیز و شاید به طور شگفت‌آوری کم‌دی هستند. روایت و مکان‌های آن‌ها، از ماجراجویی‌های اشرافی در یک خانه‌ی بزرگ در هارتفوردشایر گرفته تا قصه شبانه‌دو الهه که بر پشت یک نهنگ به «توکیو» در ژاپن می‌رسند، تغییر می‌کنند. این داستان‌ها در سال ۱۹۰۷ یعنی سال‌ها پیش از آن‌که نخستین رمان وولف در سال ۱۹۱۵ ظاهر شود، نوشته شدند و این نویسنده که در آن زمان ویرجینیا استیون نام داشت، دست‌کم ابتدا نمی‌خواست، آن‌ها دیده شوند. او هنگام فرستادن یک پیش‌نویس به دیکنسون، خواست که سوژه‌اش و دوست دیگرشان، نلی، «تنها خوانندگان» آن باشند. اما در واقع ویرجینیا بعد از مدتی این داستان‌ها را اصلاح کرد و ما اکنون این را به لطف کشف اتفاقی یک نسخه‌ی بایزینی شده که به مدت ۸۰ سال در یک خانه اشرافی پنهان مانده بود، می‌دانیم.

داستان یک بی‌اعتنايي

اورمیل سشاگیری، استاد دانشگاه تسی و پژوهش‌گر آثار ویرجینیا وولف در جست‌وجوی یک خاطره‌نامه منتشر نشده بود که دیکنسون درباره‌ی کودکی «وولف» نوشته بود. او از «خانه لانگلیت» اقامتگاه الیزابتی در ویلتشایر که مجموعه‌ای از نوشته‌های دیکنسون در آن نگهداری می‌شود، پرسید آیا آن را دارند. پاسخ آن‌ها «گیج‌کننده» بود. بله، آنها «خاطرات خانواده‌ی استیون» را داشتند و به این پژوهش‌گر پیشنهاد شد، آیا او مایل است «گالری دوستی‌ها» (Friendships Gallery) یک نسخه‌ی اصلی تایپ شده از وولف که به دست خودش تصحیح شده را نیز ببیند؟

سشاگیری می‌دانست، نسخه‌ی اصلی «گالری دوستی‌ها» سه‌گانه داستان‌های کوتاه عمدتاً نادیده گرفته شده ویرجینیا وولف درباره‌ی دوستش در کتابخانه عمومی نیویورک است بنابراین به «لانگلیت» گفت حتماً آن‌ها فقط یک کپی دارند. آن‌ها پاسخ دادند: «نه نه، ما یک سند اصلی از ویرجینیا وولف داریم.» پس چه چیزی در آن بود؟ به‌زودی کرونا همه چیز را مختل کرد: به دلیل قوانین بین‌المللی حق نشر، لانگلیت نمی‌توانست، متن را اسکن کند یا حتی آن را از طریق تماس ویدیویی نشان دهد بنابراین، این به یک «راز چندساله» تبدیل شد. سرانجام در سال ۲۰۲۲ سشاگیری دعوتی برای دیدار از خانه دریافت کرد. مسئول آرشیو، او را به اتاق مطالعه برد و جعبه‌ای به رنگ کرم به او داد. در آن، نسخه‌های بایزینی شده داستان‌های موجود در کتابخانه نیویورک بود. اگرچه این

تغییرات اعمال شده، ظاهراً جزئی بودند اما این ویرایش‌ها که در ۱۹۰۸ انجام شدند، ثابت می‌کنند وولف داستان‌ها را جدی‌تر از آن‌چه کسی تصور می‌کرده، تلقی می‌کرد. سشاگیری می‌گوید: «این از آن لحظه‌هایی است که هرگز فکر نمی‌کنی به‌عنوان یک پژوهش‌گر روزمره تجربه‌اش کنی.»

ماه آینده، کشفیات این پژوهش‌گر با عنوانی جدید، یعنی «زندگی وایولت» توسط انتشارات دانشگاه پرینستون منتشر خواهد شد. با توجه به همه‌ی آنچه این داستان‌ها درباره‌ی وولف به ما می‌گویند، چگونه این آثار تا این اندازه طولانی نادیده مانده‌اند؟ در سال ۱۹۵۵ خانواده دیکنسون، نسخه‌های اولیه و اصلاح نشده موجود در کتابخانه عمومی نیویورک را به لئونارد وولف، که ویرجینیا در سال ۱۹۱۲ با او ازدواج کرده بود، پیشنهاد دادند. لئونارد شاید تحت‌تأثیر خجالت اولیه‌ی وولف از داستان‌ها از خرید این آثار خودداری کرد و آن‌ها را شایسته انتشار ندانست. سپس داستان‌ها از یک مغازه سمساری در لندن سر درآوردند و توسط تام ماسلر، بنیان‌گذار جایزه بوکر، به قیمت یک شیلینگ خریداری شدند. او آن‌ها را به فرانسیس ویندهام نشان داد، چیزی را نشان داد که ماسلر متوجه نشده بود: نویسنده آن یعنی «ویرجینیا استیون» همان ویرجینیا وولف بود. دوباره از لئونارد برای گرفتن اجازه انتشار درخواست شد اما او هم چنان معتقد بود، داستان‌ها «نوعی شوخی خصوصی و نه چندان خوب» هستند (خواهر وولف، ونسا بل، برعکس، آن‌ها را «بسیار بازنه و درخشان» یافت). آن‌ها سرانجام در کتاب‌خانه عمومی نیویورک نگهداری شدند و از آن زمان بارها توسط پژوهش‌گران و ویراستاران مجموعه‌های داستان کوتاه وولف نادیده گرفته شدند.

تپش‌های قلب قرن بیستم

ویرجینیا وولف، نویسنده، زنی توانا و پرشهامت بود که چون قایق‌رانی بی‌ادعا، آتش را بر امواج پر تلاطم ادبیات قرن نوزدهم سوار کرد. وولف به درستی جایگاه خود را به عنوان نویسنده‌ای مدرنیست دریافته بود. او دریافت که عصر جدید با تحولات چشم‌گیری در زمینه‌ی شهرنشینی، فناوری، جنگ، مصرف‌گرایی و زندگی خانوادگی گره خورده و این تغییرات باید از نظرگاه متفاوتی در ادبیات روایت شوند. از این رو در کنار جیمز جویس و مارسل پروست در جست‌وجوی فرم‌های ادبی جدید و خلاقانه‌ای بود که حق مطلب را در مورد پیچیدگی‌های دوره‌ی مدرن و جریانات سیال آن به خوبی ادا کنند. بنابراین آثار ویرجینیا وولف، تپش‌های قلب قرن بیستم هستند که با طنین سهمگین خود، لرزه به اندام پیکره ادبیات انداخته‌اند. آثاری که می‌توانند، هیجانات درونی زندگی را به تصویر درآورده و درام نهفته در لحظات روزمره را به کامل‌ترین شکل بازآفرینی کنند. وولف از اهمیت حقوق زنان در جامعه می‌گفت و معتقد بود، آزادی زن تا حد زیادی به وضعیت مالی او بستگی دارد چراکه معمولاً کنترل امور در دست کسانی است که درآمد خانه با آن‌هاست. او فریاد استقلال زنان را سر داد تا بتوانند اتاق و اندیشه‌ای از آن خود داشته باشند. وولف یادآوری می‌کرد که در طول تاریخ، آزادی اندیشه از زنان سلب شده و حقوق زنان همچنان در برخی نقاط جهان از برده‌های آتی کمتر است. او می‌خواست زنان، حق نوشتن داشته باشند تا بتوانند، شعر بگویند و داستان بنویسند.

مستقل و متعهد

تونی هریسون شاعر و نمایش‌نامه‌نویس مطرح انگلیسی درگذشت

نویل و هم‌دانشگاهی‌اش باعث شد به نيجريه نقل مکان کند. در آنجا نمایش «Akin Mata» را نوشت و نخستین رساله‌ی شعری‌اش را با عنوان «پشته خاک» در سال ۱۹۶۴ منتشر کرد. پس از بازگشت به بریتانیا در سال ۱۹۶۷ میلادی، نخستین مجموعه‌اش با عنوان «The Loiners» جایزه‌ی یادبود «جفری فابر» را در سال ۱۹۷۰ میلادی برای او به ارمغان آورد.

مجموعه نمایش‌نامه‌های تونی هریسون به ۶ جلد می‌رسد که شامل ۱۹ درام بلند است. بسیاری از آن‌ها ترجمه‌هایی از یونانی (اورستیا از سال ۱۹۸۱ قابل اجراترین نسخه از سه‌گانه آیسخولوس است) یا فرانسوی (او در سال ۱۹۷۳ نسخه‌ای قافیه‌دار و شگفت‌انگیز از انسان‌گریز مولیر را به روی صحنه برد) هستند. اما با پیشرفت حرفه تئاتری هریسون، او نمایش‌نامه‌های بدیعی نیز نوشت که از میان آن‌ها، «ردیاب‌های اکسیرینکوس» (۱۹۹۰) و «دایره‌های مربع» (۱۹۹۲) به عنوان بهترین درام‌های منظوم جدید شناخته می‌شوند. اقتباس سال ۱۹۷۳ او از نمایش‌نامه «مردم‌گریز» اثر مولیر، موفقیت بزرگش در تئاتر ملی بود. سپس اقتباس‌هایی چون «اورستیا» را در کنار نمایش‌نامه‌های اصلی خود نوشت. با آن‌که کارنامه‌ی هریسون گستره وسیعی از تئاتر، اپرا، فیلم و تلویزیون را در بر می‌گرفت، او همواره اصرار داشت که تنها با عنوان «شاعر» شناخته شود. در سال ۲۰۱۵ گفت: «از عنوان شاعر / نمایش‌نامه‌نویس / مترجم / کارگردان متنفرم. شاعر همه این‌ها را در بر می‌گیرد. می‌خواهم به درون‌نگری، لطافت و خشم سیاسی‌ام، حقشان را ادا کنم.»

این خشم سیاسی در آثار متعددی از او تبلور یافت، فیلم- شعر «۷» جایگاه او را به‌عنوان

تونی هریسون، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس مطرح انگلیسی که نخستین جایزه «پن‌پینتر» در سال ۲۰۰۹ را دریافت کرد و نوشته‌هایش به بحث‌های ملی درباره‌ی طبقه، بی‌اخلاقی و سیاست دامن می‌زد در ۸۸ سالگی درگذشت. هریسون جوایزی چون جایزه شعر «کاستا» و جایزه یادبود «جفری فابر» را در کارنامه‌ی خود داشت.

تونی هریسون از زمانی که نخستین مجموعه‌اش را در سال ۱۹۶۴ منتشر کرد، صدای مهمی در شعر بریتانیا محسوب می‌شد، گزارش‌های صفحه‌ی اول را برای «گاردین» از جنگ بوسنی نوشت و با شعر «۷» در سال ۱۹۸۵ کشور را شوکه کرد. این اثر که پس از بی‌حرمتی او باش فوتبال به سنگ‌قبر والدینش نوشته شد، تند و تیز بود و وقتی که از «کانال ۴» پخش شد از سوی «دیلی میل»، «سیلابی از کثافت» توصیف شد و حتی باعث طرح یک درخواست فوری در مجلس عوام شد. اینک این اثر در مدرسه‌ها تدریس می‌شود.

رد عنوان ملک‌الشعرایی

هریسون ۳۰ آوریل ۱۹۷۳ در یک خانواده کارگری در لیدز متولد شد، بورسیه‌ای برای مدرسه‌ی لیدز کسب کرد و در دانشگاه لیدز به تحصیل پرداخت. شعرهایش به تنش میان پیشینه کارگری‌اش و دنیای هنر می‌پرداختند. برای مثال در شعر «uz & Them»)» به معلمی که او را مستخره می‌کند، اشاره کرده است و جایی از جدایی‌ای که او از والدینش به‌واسطه تحصیل‌اتش احساس می‌کرد، می‌گوید. هریسون در شعر «Book Ends» نوشت، چگونه در شب مرگ مادرش نمی‌توانست با پدرش صحبت کند.

در سال ۱۹۶۴ دوستی او با وله سونیکا، برنده

شبکه‌خانگی

فاطمه‌گل سازی

نگاهی به سریال **شغال** ساخته بهرنگ توفیقی

فرزانه متین

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

این روزها آثار نمایش خانگی در ضعیف‌ترین حالت خود قرار دارد و پلتفرم‌ها دیگر به جای رقابت کردن با یکدیگر درجا می‌زنند. در این مدت مخاطب با دو سریال ضعیف که بسیار شبیه فیلمفارسی و سریال‌های ترکی است، رویه‌روست که یکی از آنها به نام «شغال» از ۱۰ مرداد به جای سریال «تاسیان» از فیلمو پخش می‌شود. «بهرنگ توفیقی» در مقام کارگردان و «زامیاد سعدوندیان» به عنوان نویسنده با هم همکاری کردند تا سریالی ضعیف را روانه شبکه خانگی کنند. این در حالی است که «توفیقی» با سریال جنجالی «آقازاده» توانسته بود، مخاطبانی را جذب ساخته خود کند اما با کارگردانی سریال «شغال» مجموعه‌ای از روایت‌های کلیشه‌ای



و سطحی را به نمایش گذاشته است. داستان پیرامون خانواده «کاوایان» می‌گذرد که درگیر ماجراهای مختلفی می‌شوند. «فرهاد» با بازی «مهدی سلطانی» و «سبین» با بازی «شبنم مقدمی» که هر کدام از ازدواج قبلی خود پسرهای بزرگی دارند روبه‌روی هم قرار می‌گیرند. این سوژه‌ای تکراری است که سال‌ها در آثار نمایشی دیده می‌شود. «سعدوندیان» پیش از این نویسنده سریال ضعیف «گردزنی» بود که سال گذشته از «فیلم‌نت» پخش می‌شد و حالا با فیلمنامه‌ای کم‌رق، موضوعی چون تجاوز، خیانت و انتقام را سرلوحه داستانش قرار داده است. تجاوز به یک دختر پیشخدمت از سوی پسری که برادر خوانده‌اش، می‌خواهد با او عروسی کند، از نکاتی است که در این سریال روی آن تکیه می‌شود. این بخش کاملاً کپی‌برداری شده از سریال ترکی «گناه فاطما گل چه بود؟» است اما متأسفانه برای مخاطب، تجاوز در این مجموعه دراماتیزه نمی‌شود. در کل تجاوز در سریال کارکردی ندارد و تنها برای پیشبرد داستان شکل گرفته است. در قسمت اول و دوم از

بازیگر هوش مصنوعی

اولین بازیگر زن دیجیتالی با استقبال استودیوها روبه‌رو شده است

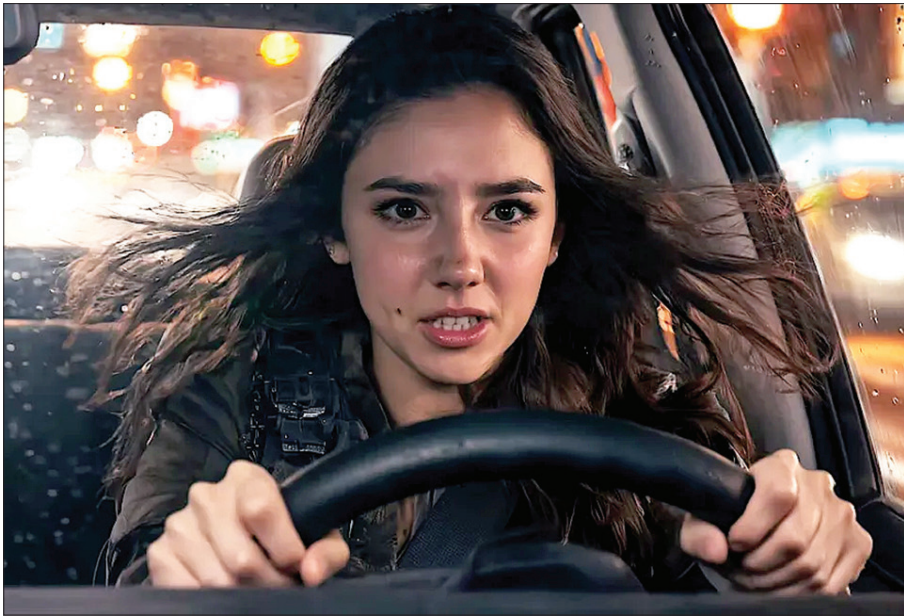
مدیران استودیوها اهمیت ایسن فناوری‌ها را انکار می‌کردند: ما تا اواسط سال همان افراد دوباره تماس می‌گرفتند و با اشتیاق درخواست همکاری داشتند. این روند نشان‌دهنده یک تغییر سریع است و به‌زودی پروژه‌های بزرگی، درگیر کار با بازیگران ساخته هوش مصنوعی می‌شوند. ولن دربار معرفی اولیه تیلی نورود به مدیران صنعت سرگرمی گفت: «در ابتدای معرفی تیلی بسیاری از مدیران با تردید می‌رسیدند، این چیست؟ اما اکنون در چند ماه آینده به صورت رسمی اعلام خواهیم کرد که کدام آژانس، مسئولیت نمایندگی و هدایت حرفه‌ای او را بر عهده خواهد گرفت». این تحول بیابانگر آن است که مدیران ارشد، دیگر هوش مصنوعی را یک ابزار حاشیه‌ای نمی‌بینند بلکه آن را آینده سرعت و خلاقیت می‌دانند. ورنه، همرند سابق هوش مصنوعی و مدیر کنونی استودیو دریم با این آنجلس در صحبت‌های مطبوعه کرد که بسیاری از استودیوهای بزرگ در حال حاضر به صورت پنهانی در حال کار روی پروژه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی هستند. برخی از بازیگران هالیوودی مانند اسکارلت یوهانسون اجازه استفاده از صدا و چهره خود را در هوش مصنوعی با ممنوعیت همراه کردند. اما اگر این بازیگران ساخته هوش مصنوعی بتوانند به لحاظ زیبایی، فیزیک و حتی بازیگری از چهره‌های هالیوودی جلو بزنند، معلوم نیست چه آینده‌ای در انتظار ستارگان هالیود خواهد بود و آیا اصلاً تماشاگران سینما حاضر به پذیرش چنین چهره‌هایی که وجود خارجی ندارند، خواهند بود؟ به گفته ورنه، «پروم، سال جاری میلادی و اوایل سال آینده شاهد اعلامیه‌های بزرگ و متعددی در این حوزه خواهیم بود. قرارداد احتمالی تیلی نورود با یک آژانس رسمی استعدادیابی، او را در زمره نخستین بازیگران دیجیتال قرار می‌دهد که توسط سیستمی مشابه ستارگان حقیقی، نمایندگی و مدیریت می‌شوند. این اتفاق می‌تواند به معنای تغییر نحوه توزیع نقش‌ها و خلق ستارگان جدید در هالیود و سایر مراکز تولید محتوا باشد. در آینده‌ای نزدیک، آثار سینمایی با حضور این چهره‌ها به نمایش گذاشته خواهد شد و به‌زودی معلوم می‌شود، این چهره‌ها می‌توانند جایگزین خوبی برای ستاره‌های هالیود باشند یا اینکه در همان ابتدای کار توسط تماشاگران پس زده خواهند شد.

تیلی نورود، اولین بازیگر هوش مصنوعی است که چهاردها یلیا و دلنشین دارد و جالب اینجاست که تعدادی از کیمیا های هالیوودی به دنبال امضای قرارداد با مدیر استودیوی هستند که این بازیگر را به هالیوود معرفی کرده است. حال یاید بد با ادامه این وضعیت و ظهور بازیگرانی با چهرها و فیزیک زیبا، آیا یاید با این بازیگران واقعی هالیوود خداحافظی کنیم؟

ایلیس ون در ولدن، بازیگر، کمدين و کارشناس تکنولوژی در جریان اجلاس زوریخ از حضور نخستین بازیگر هوش مصنوعی با نام تیلی نورود خبر داد. وی که مدیر استودیوی تازه تأسیس «کریاتیکا» است، تأکید کرد که این استودیو در حال گفتگو با چندین بازیگر است تا آنها را به بازیگری در فیلمهای خود استخدام کند. او افزود که این تأملاتی که بازیگر هوش مصنوعی خواهد بود، تیلی نورود است.

تیلی نورودنه تنها یک نام در فضای مجازی بلکه نمایانگر یک جهش کیفی در خلق شخصیت‌های دیجیتال است. زیبایی او محصول یک الگوریتم یادگیری عمیق است: به این معنی که چهره و فیزیک او فاقد نقص‌های انسانی بوده و می‌تواند، مطابق با هر سناریو و ژانر فیلم‌سازی از یک بانوی کلاسیک تا یک شخصیت علمی-تخیلی تغییر یابد. توانمندی بازیگری او نیز از داده‌های وسیعی از اجراهای بازیگران برتر الگورداری شده و به او امکان می‌دهد تا طیف وسیعی از احساسات را با دقت و تکرارپذیری کامل ارائه دهد؛ مهارتی که به استودیوهای این امکان را می‌دهد تا بدون نگرانی از محدودیت‌های انسانی یا تعهدات بلندمدت، بهترین اجرای ممکن را برای هر سکانس به دست آورند. در واقع کار با این بازیگر دیجیتالی، این امکان را به کارگردان و صاحبان استودیوهای می‌دهد که بدون درگیری با مشکلاتی نظیر ساعات کاری، بیمه، خستگی بازیگر، محدودیت در گرم و یا انجام حرکات اکشن و... نخست و با دیگر محدودیت‌هایی که در ارتباط با ستاره‌ها وجود دارد به راحتی کار خود را پیش ببرند و حتی در تعطیلات خارج از ساعات کار حرفه‌ای این بازیگر را وادار به بازیگری کنند.

ون در ولدن در صحبت‌های خود به سرعت بالای پذیرش هوش مصنوعی در میان تولیدکنندگان محتوا اشاره کرد. او توضیح داد که اوایل امسال، هنگامی که برای اولین بار به جلسات می‌رفتند،



۱۹۹۶ جایزه هاینمن که توسط انجمن سلطنتی ادبیات اهدا می‌شود را از آن خود کرد. در سال ۱۹۹۲ هریسون جایزه شعر ویتبرد (که اکنون جایزه کتاب کاستاست) را برای کتاب «نگاه خیره گورگون» از آن خود کرد.

هریسون در سال ۲۰۰۰ درباره میراث خود گفته بود: «آنچه بیش از هر چیز به آن افتخار می‌کنم، این است که می‌توانم شعرهایم دربارهٔ والدین را بخوانم و ببینم که مردمان - به ویژه مردان - ناگهان در سالن به گریه می‌افتند. این که یک شعر کوتاه بتواند این چنین آن‌ها را لمس کند برای من از هر نقد تحسین‌آمیزی ارزشمندتر است.» او سپس دربارهٔ سرچشمه الهام خود چنین گفت: «همیشه احساس می‌کنم این هیولایی که کارم را با چنین شدتی به سرانجام می‌رساند، نمی‌شناسم. انگار شخصیتی افسانه‌ای آمده تا همهٔ کاهه‌ها را به طلا بدل کند سپس ناپدید شود. من برای صفحهٔ کاغذ، صحنهٔ تئاتر، سالن اپرا، تلویزیون، سینما و روزنامه شعر نوشتم. همه این‌ها یک کار واحد است.»

تام استوارت، نمایش‌نامه‌نویس و یکی از اعضای هیأت داوران اولین جایزه «پنیتزر» در سال ۲۰۰۹ درباره‌ی هیسون گفته: «وقتی تام تونی مطرح شد تقریباً تمام مجادلات بر سر برنده‌ی این جایزه خاتمه یافت. من فکر می‌کنم همه ما فوراً حس کردیم که او دقیقاً کسی است که شایستگی دریافت جایزه‌ی پنیتزر را دارد.»

یک شاعر مردمی تثبیت کرد. در فیلم «شعر (Prometheus)» (۱۹۹۹) نیز اسطوره پرومته را به استعاره‌ای از نبرد طبقاتی میان معدن‌کاران و نظام سرمایه‌داری بدل کرد. هریسون با رد پیشنهاد عنوان ملک الشعرای بریتانیا در سال ۱۹۹۹ بر استقلال خود از قدرت سیاسی تأکید ورزید و در شعری نوشت، می‌خواهد «آزاد باشد تا بر بریتانیای بلری بکود». «سایمون آرمیتاژ، ملک الشعرای کنونی بریتانیا، درباره او گفته است: «هریسون راه را برای نسل من هموار کرد. او باعث شد ما بتوانیم کار خودمان را انجام دهیم، بی آن‌که نگران خاستگاه طبقاتی یا لهجه‌مان باشیم.»

سال ۱۹۹۵ روزنامه «گاردین» به تونی هسرتون سفارش داد تا اشعاری درباره خط مقدم درگیری مسلحانه در بوسنی بنویسد. شعری که هنگام سفر با یک خودروی زرهی در خارج از سالزیو سروده بود، صفحه اول روزنامه را به خود اختصاص داد. او ۲۰ سال بعد در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۰۷ به گاردین گفت: «چرا شعر نباید به اتفاقات روز بپردازد و روزنامه منتشر شود؟ بله، من درون مهرنیا دارم اما عصبانی و بدگو هم می‌شوم و به این هم احترام گذاشت». شعر او در سال ۲۰۰۳ به عنوان «قافیه‌های عراق» که یک ماه قبل از علی شیدن رسوایی «پرونده مشکوک» منتشر شد از خوانندگان می‌خواست: «به خیابان آوانتینگ بروید، هارد دیسک تونی پلر را بردارید...» کتاب «سایه هیروشیما و دیگر اشعار» او سال

بیشتر از سریال دافعه پیدا می‌کند. دوران فیلمسازی گذشته اما سازنده از «دیر باز» می‌خواهد در شکل و شمایل قهرمانان آن فیلم‌ها فرو برود که در این زمینه ناکام می‌ماند. او بیشتر به یک ضد قهرمان در سریال تبدیل شده است.

«شغال» سریالی است که به دلیل تم غالب یعنی تجاوز، پتانسیل آن را داشت که به به لایه‌های درونی و عمیق روان‌شناختی این مساله پرداخته شود اما کارگردان، این وجه از سریال را هم تبدیلی به ویترونی از موضوعات سطحی دلبخواه خود کرده که بیش از هر چیز درام شعاع‌زدگی افتاده است.

اینکه گفته می‌شود، ورود سریال «شغال» به شبکه نمایش خانگی را می‌توان به عنوان نقطه عطفی در رشد و بلوغ این صنعت داخلی قلمداد کرد، مضحک و شوخی محسوب می‌شود. «شغال» به دلیل روایت‌های تکراری فقط یک سریال سرگرم‌کننده و نازل محسوب می‌شود که می‌توان به آن لقب «فضل دوم (گردزنی)» داد و نویسنده اگر خواهد همین مسیر را پیش بگیرد. همانند بسیاری از سریال‌های نمایش خانگی به زودی فراموش می‌شود.

آنجا که قربانی به دنبال شکایت کردن از معترض بود و به کلاشتری و پزشکی قانونی رجوع کرده بود به نوعی دری به سوی فرهنگ‌سازی در این زمینه باز شده بود تا قربانیان سکوت نکنند اما ناگاهان در یک چرخش ناگهانی، دختر شکایت خود را پس می‌گیرد. با این اتفاق، تعرض از مسائل مهم جامعه و تبلیخ‌ترین و تاثیرگذارترین لحظات سریال است و باید فیلمساز با نکته‌سنجی به آن پردازد در نهایت با ساده‌سازی، داستان یادآور ابوهی فیلمفارسی‌های پیش از انقلاب شده و به شعور مخاطب توهمین می‌کند. گویا نه خانی آمده و نه به خانی رفته است. این در حالی است که خود قربانی هر زمان متجاوز را می‌بیند یا اسمش را می‌شنود به او حالت ترس (نپیک) به‌دست می‌دهد! بازی پوکر (قمار) استعمال مادمخدر و مصرف الکل و ارجاعات به موسیقی رپ به همراه خشونت از دیگر موتیف‌های سریال است که به تازگی در سریال‌های نمایش خانگی باب شده است. در واقع می‌توان گفت، چنین اعمال مذمومی تبدیل به موضوعات اصلی شده و «توفیقی» به برای آن که از قافله عقب‌ماند در «شغال» به صورت اغراق‌آمیز به آنها پرداخته است. در واقع می‌توان گفت این کلیشه‌ها، منطق داستان را زیر سوال برده و از سوی دیگر خرده‌پندگانه‌ای که در هر قسمت به آن اضافه می‌شود، در سریال شکلی غیرواقع‌گرایانه به خود می‌گیرد. کارگردان که در پایلوت سعی کرده بود به هر قلابی برای جذب بیننده، جنگ برزند در قسمت دوم درجا زد و هر آنچه جاشنی به سریال اضافه کرده، باعث شد «شغال» بیشتر به لبه پرتگاه نزدیک‌تر شود. ابتدا مخاطب فکر می‌کند «شغال» از سریال‌های دغدغه‌مند است اما به سرعت متوجه می‌شود، قصد کارگردان فقط چیدمانی از موتیف‌های تکراری است که از ابتدا سست و بی‌برق روی هم انباشته شده است. اینکه کارگردان در ذات باید خلافت داشته باشند، گویا در میان سازندگان که آثار نمایشی برای پلتفرم عرضه می‌کنند، بی‌معناست. از سوی دیگر شخصیت‌پردازی در این سریال، تبدیل به یاشنه آتش شده است. تماشاگر نمی‌تواند با هیچ‌کدام از کاراکترها همذات‌پنداری کند در صورتی که «شبنم مقدمی» و «مهدی سلطانی» از بازیگران توانایی هستند که اکت‌های مناسب و به جایی دارند اما «توفیقی» نه تنها از این دو نفر نتوانسته، بازی‌های قابل قبولی بگیرد بلکه شخصیت‌پردازی این دو به گونه‌ای پیش می‌رود که شیمی آنها هم با هم متناسب نیست. بازیگران جوان‌تر چون «کامبیز دیرباز»، «امیرحسین فتحی»، «سجاد بابایی» و «نورا محقق» در شکل تیپ فرو رفته‌اند و عمق ندارند. هیچ‌کدام کنترلی روی زبان بدن خود ندارند. بین فیان و ریمت جمله‌ها مشکل‌دار است، دیالوگ‌ها ریتمیک‌وار آدا می‌شود و رفتارهای اغراق‌شده و ناباورانه از آنها دیده می‌شود. «کامبیز دیرباز» در نقش «آزاد» شخصیتی غیردوست‌داشتنی دارد در صورتی که برای یک مثلث عشقی و در نهایت گرفتن انتقام، مخاطب نیاز دارد با هنرمند همذات‌پنداری کند اما با ویژگی‌های لمینی و با استفاده از دیالوگ‌های معروف فیلم‌های «سوت‌دلان» و «گوزنها» مخاطب امروز

شناسه آگهی: ۲۰۱۰۷۶۲

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۱۴۰۴/۱۱۸۵۶

خرید ۱,۰۰۰,۰۰۰ عدد کیسه خون مخصوص

فیلتراسیون گلبول قرمز متراکم (RBC) از تولید کننده داخلی



سَيِّئَاتُهَا نَقَالَ حُرُوفًا وَأَعْرَافًا

– مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲

– مهلت ارسال پیشنهادها: ۱۴۰۴/۰۷/۲۲

- زمان بازگشایی پکت‌ها: تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ روز چهارشنبه راس ساعت ۹ صبح

- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ضمانتنامه بانکی صادره

ز یکی از بانک‌های رسمی کشور به نام سازمان انتقال خون ایران به مبلغ ۹۲,۱۰۰,۰۰۰ (ریال)

اطلاعات تماس و نشانی دستگاه: برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره ۸۸۶۰۱۵۵/۸۸۶۰ واحد امور قراردادها، و جهت انجام مراحل عضویت در سامانه با مرکز تماس سامانه به شماره ۱۴۵۶ و دفتر ثبت نام به شماره ۸۸۹۹۹۹۳۷ تماس حاصل فرمایید.

نشانی: سازمان انتقال خون ایران واقع در تهران، تقاطع بزرگراه‌های شیخ فضل‌اله
نوری و شهید همت، بلوک B طبقه دوم، سالن اجتماعات دکتر علاء.

دارد برای خرید ۱,۰۰۰,۰۰۰ عدد کیسه خون

قرمز متراکم (RBC) از تولید کننده داخلی،

با شماره ۲۷۰۰۰۰۰۳۰۴۰۰ را از طریق سامانه

نماید.

ریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها،
رونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir

صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام
یکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای
به عمل آورند.

– تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸

م الف ۲۴۲۴

روابط عمومی سازمان انتقال خون ایران

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

زنده‌شدن هیت

بورس چگونه دوباره در مسیر افزایش قرار گرفت؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

در معاملات روز دوشنبه، شاخص کل بورس با رشد ۲٫۲۹ درصدی وارد کانال ۲/۷ میلیون واحد شد. نماگر هموزن نیز با افزایش ارتفاع ۱/۸ درصدی همچنان حرکت آهسته‌تری را در مقایسه با نماگر اصلی به نمایش گذاشت. با خروج پول از صندوق‌های طلا طی روز گذشته و کوچ پول‌های حقیقی از صندوق‌های درآمد ثابت، بازار سهام موفق شد، میزبان بیش از ۲ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان پول پارک شده حقیقی‌ها باشد.

شاخص اصلی بورس تهران درحالی برای سومین روز در مسیر افزایشی گام برداشت که به راحتی وارد کانال ۲/۷ میلیون واحد شد. با این حال محدوده یاد شده به عنوان مقاومت پیش‌روی بورس می‌تواند، مسیر بازار سهام را ناهموار کند.

همان‌طور که در ۲۴ شهریورماه، نماگر بورس تهران با برخورد به این محدوده مقاومتی وارد فاز اصلاح شد. با این حال رشد قیمت دلار و کاهش ابهامات سیاسی می‌تواند، سوخت عبور شاخص‌ها از مقاومت‌ها را تأمین کند.

در سومین روز معاملاتی هفته، بازار سهام با جذب بیش از ۲ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی همچنان در حال رکوردزنی است. مجموع ورود پول در ۳ روز اخیر به بیش از ۵ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان رسیده است. ضمن آنکه برخی از متغیرهای بازاری و اقتصادی می‌توانند، زمینه‌ساز رشد پایدار بورس تهران باشند.

در جریان معاملات دیروز، ارزش دادوستدهای بازار سهام از مرز ۷/۳ همت گذشت. این میزان از ارزش معاملات بیشترین مقدار از ۲۴ شهریور امسال است.

دلار آزاد که در معاملات یک‌شنبه شب در کانال ۱۱۱ هزار تومان کار خود را به اتمام رسانده بود؛ معاملات دیروز را در کانال ۱۱۰ هزار تومان آغاز کرد. در ادامه، شاخص ارزی یک کانال بالاتر آمد و مجدداً به کانال ۱۱۱ هزار تومان رسید.

در بازار فیزیکی طلا و سکه هم هر گرم طلای ۱۸ عیار در کانال ۱۰ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان قرار دارد و سکه امامی هم در قیمت ۱۱۰ میلیون تومان در بازار دست به دست می‌شود.

در شرایط کنونی، چشم‌انداز بازار سهام ایران تحت تأثیر چند عامل کلیدی شکل می‌گیرد که می‌توان آنها را به‌صورت هم‌زمان بررسی کرد. اول، فشارهای اقتصادی و محدودیت‌های ارزی بر شرکت‌هایی که نیازمند واردات مواد اولیه هستند، تأثیر مستقیم دارد و سودآوری آنها را کاهش می‌دهد. صنایع دارویی، غذایی و برخی بخش‌های تولیدی که وابستگی بالایی به ارز دارند، بیشترین حساسیت را خواهند داشت. دوم، افزایش تورم و سیاست‌های پولی انبساطی محدود باعث می‌شود، نرخ بهره واقعی کاهش یافته و سرمایه‌گذاری در بازار سهام نسبت به سپرده‌های بانکی جذاب‌تر شود اما این جذابیت موقت است و ریسک ناشی از نوسانات قیمت کالاها و نرخ ارز بالا باقی می‌ماند. سوم، فضای سیاسی و تغییر ریل سیاست‌گذاری بر اعتماد سرمایه‌گذاران تأثیرگذار است؛ تأکید دولت بر تأمین معیشت و مدیریت محدودیت‌ها، نشان‌دهنده تمرکز کوتاه‌مدت بر کنترل بحران است و ممکن است، جذابیت سرمایه‌گذاری بلندمدت در بورس را کاهش دهد. با این حال شرکت‌هایی که به منابع داخلی و بازار داخلی متکی هستند یا در بخش‌هایی فعالیت می‌کنند که دولت به حمایت آنها اهمیت می‌دهد، مانند تولید مواد غذایی، دارو و کالاهای اساسی، احتمالاً عملکرد نسبتاً پایداری خواهند داشت.

در مجموع، بازار سهام ایران در کوتاه‌مدت با نوسانات بالا و تمرکز بر صنایع مقاوم به فشارهای ارزی و تورمی مواجه خواهد بود، در حالی که چشم‌انداز بلندمدت بسته به موفقیت دولت در مدیریت کسری بودجه، کنترل تورم و تثبیت نرخ ارز می‌تواند به تدریج بهبود یابد. سرمایه‌گذاران برای کاهش ریسک باید به نقدشوندگی و تاب‌آوری شرکت‌ها در برابر فشارهای اقتصادی توجه ویژه داشته باشند و هم‌زمان تغییرات سیاست‌های اقتصادی و سیاسی را به دقت رصد کنند. بازار ارز ایران در شرایط فعلی با فشارهای چندگانه مواجه است و چشم‌انداز آن متأثر از ترکیبی از عوامل داخلی و بین‌المللی خواهد بود. محدودیت‌های ارزی ناشی از تحریم‌ها و کاهش دسترسی به منابع خارجی، مهم‌ترین عامل فشار بر نرخ ارز است و باعث افزایش تقاضای بازار آزاد برای ارز می‌شود. هم‌زمان، کسری بودجه و پولی شدن آن، به ویژه از طریق افزایش پایه پولی، زمینه تورم ارزی و افزایش نرخ دلار را تشدید می‌کند. در کوتاه‌مدت پیش‌بینی می‌شود، بازار ارز تحت فشار باقی بماند و نوسانات افزایشی محدود، به ویژه در نرخ دلار آزاد، ادامه یابد. در بلندمدت پایداری بازار ارز بستگی به توان دولت در کنترل کسری بودجه، مدیریت ذخایر ارزی و ایجاد مسیرهای مطمئن برای واردات و تأمین ارز خواهد داشت.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
شهرستان کوهدشت — سری (۲۹۶) جمعی

پهلوانی)

۶. برابر تقاضای آقا/خانم (شهین پهلوانی) فرزند (میرزا حسین) نسبت به (۸۵٪ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۷۵۴۹,۰۴) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۵۳) اصلی واقع در بخش (۷) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (خداداد پهلوانی)

۷. برابر تقاضای آقا/خانم (گوهر پهلوانی) فرزند (میرزا حسین) نسبت به (۸۵٪ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۷۵۴۹,۰۴) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۵۳) اصلی واقع در بخش (۷) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (خداداد پهلوانی)

۸. برابر تقاضای آقا/خانم (گوهر پهلوانی) فرزند (میرزا حسین) نسبت به (۸۵٪ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۲۰۳۳۱,۵۸) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۵۳) اصلی واقع در بخش (۷) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (خداداد پهلوانی)

۹. برابر تقاضای آقا/خانم (تاج‌دولت پهلوانی) فرزند (میرزا حسین) نسبت به (۸۵٪ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۲۰۳۳۱,۵۸) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۵۳) اصلی واقع در بخش (۷) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (خداداد پهلوانی)

۱۰. برابر تقاضای آقا/خانم (تاج‌دولت پهلوانی) فرزند (میرزا حسین) نسبت به (۸۵٪ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۷۵۴۹,۰۴) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۵۳) اصلی واقع در بخش (۷) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (خداداد پهلوانی)

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کوهدشت

فرشاد کورانی‌نیا

شناسه آگهی ۲۰۰۸۸۷۶

م الف ۲۹۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
شهرستان الشتر — سری (۴۰۱) جمعی

قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۵۰,۴۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۶۳» فرعی از «۱/۲۲۵» اصلی واقع در بخش «۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر) (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد فرزند بگه»

۶- تقاضای «احمد رضا یوسف وند» فرزند «یوسف» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۶۰۵۸,۲۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۴۱» فرعی از «۲۰۷» اصلی واقع در بخش «۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر) (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «جواد ابراهیمی فرزند ابوطالب»

۷- تقاضای «احمد رضا یوسف وند» فرزند «یوسف» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی» بمساحت «۵۲۳۵,۹۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۴۲» فرعی از «۲۰۷/۱» اصلی واقع در بخش «۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر) (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عابدین یوسفوند»

۸- تقاضای «احمد رضا یوسف وند» فرزند «یوسف» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی» بمساحت «۱۴۰۱,۶۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۴۳» فرعی از «۲۰۷» اصلی واقع در بخش «۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر) (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عابدین یوسفوند»

۹- تقاضای «محمد یوسفوند» فرزند «احمد رضا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعتی» بمساحت «۱۶۱۱,۳۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۴۱» فرعی از «۲۰۸/۲» اصلی واقع در بخش «۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر) (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شاعباس صالحی فرزند آقاپیره»

۱۰- تقاضای «احمد رضا یوسف وند» فرزند «یوسف» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۹۴۵۱,۰۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۴۵» فرعی از «۱/۲۰۵» اصلی واقع در بخش «۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر) (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «جواد ابراهیمی فرزند ابوطالب»

مصطفی نیک مهر

رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان الشتر

شناسه آگهی ۲۰۰۴۵۲۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان ها ی فاقد سند رسمی مسقر در واحد ثبتی کوهدشت تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند ، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

۱. برابر تقاضای آقا/خانم (احمد کریمی نژاد) فرزند (صفر) نسبت به (۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه عمارت) به مساحت (۱۵۶,۶۷) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۰) فرعی از (۶۳) اصلی واقع در بخش (۷) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (محمد ولی ازادبخت)

۲. برابر تقاضای آقا/خانم (اسفندیار امیری) فرزند (طهماسب) نسبت به (۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه زمین مزروعی) به مساحت (۹۳۰,۸۷) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۶۳) اصلی واقع در بخش (۷) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (علی رحم ازادبخت)

۳. برابر تقاضای آقا/خانم (درویش مراد رستمی نورعلی) فرزند (حسن بک) نسبت به (۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه زراعی) به مساحت (۲۱۶۷,۸۲) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۱۷) اصلی واقع در بخش (۷) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (حسن بگ رستمی نورعلی)

۴. برابر تقاضای آقا/خانم (شازبیا حاتمی) فرزند (اوخت بگ) نسبت به (۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه عمارت) به مساحت (۱۵۵,۱۰) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۶۵) اصلی واقع در بخش (۷) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (الهییار عباسی گروند)

۵. برابر تقاضای آقا/خانم (شهین پهلوانی) فرزند (میرزا حسین) نسبت به (۸۵٪ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۲۰۳۳۱,۵۸) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۵۳) اصلی واقع در بخش (۷) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (خداداد

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی شهرستان الشتر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

۱ – تقاضای «صمد یوسفوند» فرزند «حسن» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۲۴۵,۶۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۳۹» فرعی از «۲۰۷» اصلی واقع در بخش «۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر) (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «آقا میرزا»

۲- تقاضای «شامراد یوسفوند» فرزند «علیداد» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۷۶۰,۱۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۴۴» فرعی از «۲۰۵» اصلی واقع در بخش «۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر) (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی داد یوسفوند»

۳- تقاضای «شامراد یوسفوند» فرزند «علیداد» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۸۵۹,۰۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۴۳» فرعی از «۲۰۵» اصلی واقع در بخش «۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر) (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی داد یوسفوند»

۴ – تقاضای «هدیه شرفی» فرزند «محمد حسین» نسبت به «شش‌دانگ یک باب عمارت مسکونی» بمساحت «۱۳۱,۶۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۹۴۷» فرعی از «۹۱/۶» اصلی واقع در بخش «۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر) (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رضا قلی ملکی»

۵ – تقاضای «حشمت شاهی وند» فرزند «یارولی» نسبت به «شش‌دانگ یک



سال هشتم شماره ۲۰۷۴
سه‌شنبه ۸ مهر ۱۴۰۴

بررسی رویدادهای اجتماعی

کوچه

پرستار نداریم

سازمان نظام پرستاری درباره نبود و کاهش شدید پرستار در کشور هشدار جدی داد

گروه اجتماعی: یوسف رحیمی، نایب‌رئیس اول شورای عالی نظام پرستاری، در تازه‌ترین گفت‌وگو با ایسنا هشدار داد که به‌رغم تربیت سالانه حدود ۱۵ هزار پرستار، بخش قابل توجهی از آنها وارد نظام خدمات‌رسانی نمی‌شوند. او می‌گوید «آمار و ارقام بیانگر این است که سالانه ۱۵ هزار نفر در رشته پرستاری دانش‌آموخته می‌شوند اما تمام این افراد بنا به دلایل مختلف مانند مهاجرت، خودخواسته و عدم برگزاری آزمون استخدامی وارد عرصه خدمات‌رسانی نمی‌شوند». به عبارت دیگر فارغ‌التحصیلان پرستاری یا برای زندگی بهتر به خارج می‌روند یا به مشاغل دیگری مانند خدمات زیبایی روی می‌آورند و «در حال از دست دادن منابع و سرمایه خود هستیم». رحیمی تاکید می‌کند که نگهداشت نیرو در عمق بحران قرار دارد و یادآور می‌شود که در آزمون استخدامی اخیر، گروه پرستاری حتی کمتر از سهمیه تعیین شده، اقدام کرده‌اند. او می‌گوید «هنگامی که یک بخش بیمارستانی به دلیل کمبود پرستار تعطیل می‌شود، خدمات در اختیار مردم قرار نمی‌گیرد». همچنین به وضعیت حقوق پرستاران اشاره کرده و با بیان اینکه حقوق پایه حدود ۱۸ میلیون تومان است (با تعرفه‌ها تا ۲۴ میلیون) گفته این مبلغ برای زندگی در شهرهای بزرگ «ناچیز و نامناسب» است.

واقعیت‌های آماری: تعداد، نسبت و مهاجرت

آمارها گواه وخامت اوضاع است. طبق استانداردهای جهانی سازمان بهداشت به ازای هر هزار نفر جمعیت باید ۵ تا ۶ پرستار وجود داشته باشد اما در ایران این نسبت فقط حدود

۲ تا ۲.۵ نفر است. فاصله چشمگیر به معنای فشار کاری مضاعف و کاهش کیفیت مراقبت‌هاست. گزارش‌ها حاکی است هر پرستار ایرانی به‌طور متوسط باید همزمان به ۱۰ تا ۱۵ بیمار رسیدگی کند، در حالی که استاندارد جهانی حدود ۳ تا ۴ بیمار است. این کمبود شدید به اضافه‌کاری‌های اجباری فراوان منجر شده و باعث فرسودگی شغلی پرستاران می‌شود؛ به‌طوری که به گفته کارشناسان، فرسودگی شغلی پرستاران ایرانی به‌طور معناداری بالاتر از میانگین جهانی است. از سوی دیگر، برآوردها حاکی است بیش از ۱۰۰ هزار نفر نیروی پرستاری در کشور کم است. در مقابل این حجم کمبود، هر ساله تعداد زیادی پرستار تحصیل کرده یا مشغول کار نمی‌شوند یا به‌طور کامل مهاجرت می‌کنند. مقامات وزارت بهداشت گزارش داده‌اند که در سال ۱۴۰۲ حدود ۵۸۷ پرستار برای مهاجرت اقدام کرده‌اند؛ در همین مدت ۱,۵۹۰ نفر ترک خدمت دولتی و ۴۵۶ نفر استعفا داده‌اند. به بیان معاون پرستاری وزارت بهداشت، «استعفا از مهاجرت پرستاران پیشی گرفته» است. علاوه بر این، اتحادیه پرستاران و رسانه‌های تخصصی گزارش کرده‌اند که سالانه نزدیک به ۳۰۰۰ نفر از کادر پرستاری کشور مهاجرت می‌کنند و هیچ افزایشی در جذب نیروی جدید متناسب با این آمار انجام نمی‌شود.

چرا با بحران نیروی انسانی مواجه شدیم؟

بحران نیروی انسانی پرستاری در ایران ناشی از ترکیبی از عوامل ساختاری و کوتاه‌مدت است. دستمزد پایین،

مساله کاهش سن ورود به مدرسه

مجلس در تدارک تصویب طرحی است که طی آن سن ورود به مدرسه از ۶ سال به ۵ سال کاهش پیدا می کند

این سن کودکان بیشتر به بازی، خلاقیت و تعامل اجتماعی نیاز دارند نه یادگیری خشک و نشستن طولانی پشت نیمکت مدرسه. بر این اساس ورود زودهنگام به کلاس‌های درس ممکن است به اضطراب، دلزدگی و فرسودگی تحصیلی منجر شود و در بلندمدت استعداد خلاق نسل آینده را کم‌رنگ کند. مساله اصلی از نگاه منتقدان این نیست که آموزش از ۵ سالگی شروع شود یا خیر بلکه روش و محتوای آموزش در این سن است. بدون توجه به نیازهای رشد کودک، یک سال تحصیل اضافی صرفاً به معنای فشار اضافی و کم کردن فرصت بازی و رشد عاطفی خواهد بود. به باور صاحب‌نظران، برای اینکه پیش‌دستانی اجباری به یک فرصت آموزشی مفید تبدیل شود، سه پیش‌شرط اساسی باید رعایت شود:

نیروی انسانی متخصص: مربیان و معلمان که دارای آموزش‌های تخصصی در روان‌شناسی رشد، آموزش از طریق بازی و پرورش خلاقیت کودکان ۵ ساله باشند نه معلمان که صرفاً روش‌های رسمی دبستان را تکرار کنند. فضا و امکانات متناسب: فراهم کردن اتاق‌های بازی بزرگ و امن، فضای باز مناسب جنب‌وجوش کودک، گوشه‌های قصه‌گویی، نقاشی و ابزارهای خلاقانه مورد نیاز ۵ ساله‌ها. کودک در این سن به بازی و تحرک نیاز دارد و نه نیمکت‌های فشرده و تخته‌های سیاه. منابع آموزشی متناسب سن: طراحی محتوای آموزشی بر اساس بازی، قصه‌گویی و فعالیت‌های گروهی؛ به‌گونه‌ای که یادگیری غیرمستقیم و لذت‌بخش باشد نه تکیه صرف بر کتاب درسی، آزمون و تکلیف رسمی. واقعیت آن است که در نظام کنونی آموزش ایران هنوز یادگیری لازم برای تحقق این پیش‌شرط‌ها دیده نمی‌شود. نظام تربیت معلم به‌طور اساسی برای پرورش مربیان پیش‌دستانی متخصص اصلاح نشده و مدارس با کمبود فضا و امکانات روبه‌رو هستند. منابع آموزشی پیش‌دستانی موجود نیز همچنان بر قالب سنتی کتاب‌محور و تکلیف‌محور است. در چنین شرایطی بسیاری از کارشناسان نگران‌اند که اجباری شدن پیش‌دستانی بدون تحقق این الزام‌ها به جای ارتقای کیفیت صرفاً یک سال تحصیل اضافی خشک را بر کودکان تحمیل کند و عدالت آموزشی صرفاً به یک شعار روی کاغذ تبدیل شود.

تجربیات جهانی و مطالعات بین‌المللی

تجارب کشورهای پیشرفته آموزشی می‌تواند راهنما باشد. در فنلاند که سال‌ها در صدر نظام‌های آموزشی جهان قرار داشته است، ورود رسمی به مدرسه از سن ۷ سالگی آغاز می‌شود و تا آن زمان

فائزه مومنی
گروه اجتماعی

مطابق مصوبه اخیر کمیسیون آموزش مجلس، سن لازم برای شروع آموزش رسمی در ایران از ۶ به ۵ سال کاهش می‌یابد و آموزش پیش‌دستانی در این سن به شکل اجباری برگزار خواهد شد. بدین ترتیب ساختار فعلی آموزشی «۳-۳-۶» به تدریج به الگوی «۳-۳-۵» تغییر می‌کند؛ یعنی دانش‌آموزان یک سال زودتر وارد مدرسه می‌شوند ولی دوره کل تحصیلی همچنان ۱۲ سال باقی می‌ماند. در همین چارچوب، ظرفیت قانونی ایجاد دوره «پیش یک» (دوره پیش‌دستانی برای کودکان زیر ۵ سال) نیز پیش‌بینی شده تا در صورت نیاز سازمان تعلیم و تربیت بتواند آن را اجرا کند. به گفته سخنگوی کمیسیون آموزش، بررسی نهایی طرح در جلسات آینده ادامه خواهد داشت و هدف نهایی این است که پس از اصلاحات لازم، طرح در صحن علنی مجلس نهایی شود و به قانون تبدیل شود.

دلایل موافقان: عدالت آموزشی و افزایش کیفیت

موافقان طرح عمدتاً بر دو محور اصلی تأکید می‌کنند: عدالت آموزشی و ارتقای کیفیت آموزش. از نظر آنها بسیاری از خانواده‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی، توان ثبت‌نام فرزندان ۵ ساله‌شان در مراکز پیش‌دستانی خصوصی را ندارند؛ با اجباری شدن پیش‌دستانی این فرصت به همه کودکان داده می‌شود و از نابرابری آموزشی کاسته می‌شود. همچنین برخی مسئولان آموزشی استدلال می‌کنند که فقدان پیش‌دستانی‌های باکیفیت، علت ریشه‌ای مشکلات یادگیری در دوره ابتدایی است و گنجاندن یک سال آموزشی جدید با برنامه‌های منسجم می‌تواند کیفیت تحصیلی را بهبود بخشد. علاوه بر این وجه اقتصادی موضوع نیز مطرح شده است: با کاهش یک سال زمان طی شده در سیستم آموزشی، دانش‌آموزان یک سال زودتر وارد دانشگاه سپس بازار کار می‌شوند که به نفع اقتصاد کشور فرض می‌شود.

انتقادات و ملاحظات تربیتی

در مقابل بسیاری از کارشناسان تربیتی و روان‌شناسی کودک با این تغییر ابراز نگرانی کرده‌اند. آنها معتقدند، شروع رسمی آموزش در ۵ سالگی با ویژگی‌های رشدی این کودکان همخوانی ندارد. در



پرستاران چه می‌خواهند؟

طی سال‌های اخیر، پرستاران مطالبات مشخصی را مطرح کرده‌اند؛ از جمله اصلاح تعرفه خدمات، افزایش فوق‌العاده‌ها و اضافه‌کاری متناسب با تورم، اجرای استاندارد نسبت پرستار به تخت در استخدام نیروهای جدید و بهبود شرایط رفاهی و شغلی آنان. اجرایی نشدن این مطالبات (حتی وعده‌های رئیس دولت گذشته) بر نارضایتی و مهاجرت افزوده است. در این میان، مسئولان نظام پرستاری خواستار اقدام عاجل دولت و وزارت بهداشت شده‌اند. رحیمی خطاب به حاکمیت تاکید می‌کند که نگاهی ویژه به شغل پرستاری ضروری است: «حاکمیت باید به پرستاری توجه کند و با نگاهی ویژه برای این گروه جذابیت ایجاد کند تا پرستاران خانه‌نشین و افرادی که در مشاغل کاذب هستند به عرصه خدمت برگردند». سیاست‌های کلان می‌تواند شامل افزایش بودجه پرستاری، ترمیم حقوق معوقه، تسهیل استخدام نیروی جدید مطابق استانداردهای بین‌المللی و تضمین مطالبات شغلی باشد. فعالان حوزه سلامت بر این نکته تاکید دارند که «باید تا روز پرستار حداقل دو یا سه مشکل مهم پرستاران حل شود، در غیر این صورت نظام سلامت با چالش بزرگی مواجه می‌شود».

یادداشت

وتوی معکوس

تحلیل حقوقی به اجرا درآمدن مکانیسم ماشه



ایمان خورشیدطلب

حقوقدان

مکانیسم ماشه یکی از جنجالی‌ترین بندهای برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است. این سازوکار به طرف‌های توافق اجازه می‌دهد در صورت ادعای «نقض اساسی» تعهدات، روندی ویژه برای بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل آغاز شود؛ آن هم بدون نیاز به اجماع یا رأی مثبت اعضای شورای امنیت. ویژگی کلیدی این روند، حذف حق وتو در جلوگیری از بازگشت تحریم‌هاست؛ وضعیتی که به «وتوی معکوس» شهرت یافته و با عرف معمول حقوق بین‌الملل در تضاد است. در شرایط عادی، اعمال یا تعلیق تحریم‌ها نیازمند رأی مثبت اعضا و عدم مخالفت دائم شورای امنیت است. اما در مکانیسم ماشه پیش‌فرض بر بازگشت تحریم‌ها قرار داده شده و تنها تصویب قطعنامه‌ای در ۳۰ روز می‌تواند، مانع آن شود. به این ترتیب باز تصمیم‌گیری تغییر یافته و توازن حقوقی شورای امنیت دستخوش دگرگونی شده است. این طراحی ویژه، هرچند برای تضمین اجرای تعهدات در نظر گرفته شد اما در عمل بستری برای بهره‌برداری سیاسی فراهم کرده است. ابهام در تعریف «نقض اساسی» نیز این مشکل را تشدید می‌کند. معیار روشنی برای تشخیص نقض وجود ندارد و همین خلأ امکان تفسیرهای متضاد و سیاسی را فراهم می‌آورد. نمونه بارز این تناقض، تلاش آمریکا برای فعال‌سازی ماشه پس از خروج از برجام است. کشوری که دیگر عضو توافق نیست به لحاظ حقوقی، صلاحیتی برای استفاده از سازوکارهای آن ندارد. این اقدام با مخالفت بسیاری از حقوق‌دانان و حتی اعضای شورای امنیت مواجه شد. در مقابل، کشورهای اروپایی همچنان عضو برجام هستند و از نظر حقوقی، حق رجوع به ماشه را دارند؛ با این حال اگر خود به تعهداتشان عمل نکرده باشند، مشروعیت اقدام‌شان زیر سؤال می‌رود. در نهایت، مکانیسم ماشه به‌جای آنکه ابزاری برای تقویت امنیت حقوقی باشد به منبعی از نااطمینانی و بی‌ثباتی تبدیل شده است. این سازوکار نه‌تنها حق وتو را دور می‌زند بلکه با ابهام در معیارها و امکان سوءاستفاده، مشروعیت حقوق بین‌الملل را خدشه‌دار می‌کند. برای ایران و دیگر بازیگران، مسیر عقلانی آن است که از ظرفیت‌های حقوقی برای اعتراض به سوءاستفاده‌ها بهره بگیرند و در سطح دیپلماتیک، شفاف‌سازی معیارها و بازتعریف قواعد را در دستور کار قرار دهند؛ زیرا آینده برجام و روابط بین‌الملل، بیش از هر زمان دیگر، به میزان اعتماد به قواعد حقوقی وابسته است.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروفچین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گزارش ویژه

آذربایجان شرقی، پیشگام توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر

آذربایجان شرقی - سازندگی: استاندار آذربایجان شرقی در آیین کلنگ‌زنی و آغاز عملیات اجرایی نیروگاه ۹۶ مگاواتی خورشیدی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان با اشاره به پیشگامی و نقش محوری استان در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور اظهار کرد: بر اساس تأکیدات رئیس محترم جمهور مبنی بر استفاده از انرژی‌های نو از همان ابتدا اهتمام ویژه‌ای در استان برای احداث نیروگاه‌های خورشیدی انجام گرفت و دانشگاه‌ها در این مسیر پیشگام شدند.

بهرام سرمست با قدردانی از حضور محمدنژاد، معاون «سابتا» و دیگر مهمانان این مراسم، افزود: خوشبختانه دانشگاه صنعتی سهند و دانشگاه شهید مدنی جزو نخستین دانشگاه‌های کشور هستند که برای اجرای این پروژه‌ها پیشقدم شدند و امروز شاهد آغاز عملیات اجرایی نیروگاه خورشیدی در دانشگاه شهید مدنی هستیم. به جرات می‌توان گفت این پروژه از نخستین طرح‌های انرژی خورشیدی در سطح دانشگاه‌های کشور به شمار می‌رود و نشان‌دهنده جایگاه پیشرو آذربایجان در درک صحیح سیاست‌های کلان انرژی است. استاندار آذربایجان شرقی با اشاره به ظرفیت‌های بالای دانشگاه شهید مدنی در اجرای این پروژه اظهار کرد: از رئیس دانشگاه، تشکر ویژه دارم که مراحل اجرایی این طرح ۹۶ مگاواتی را پیگیری کرد و امیدوارم به‌زودی شاهد تکمیل آن باشیم. تأکید ما بر این است که از همه ظرفیت‌های استان در زمینه توسعه انرژی‌های نو به نحو احسن استفاده شود. سرمست در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه برخی نگاه‌های گذشته در وزارت نیرو درباره نامساعد بودن شرایط آذربایجان برای انرژی خورشیدی نادرست بوده است، گفت: بررسی‌های علمی نشان داده، استان ما ظرفیت بالایی در این حوزه دارد. امروز بیش از ۱۳ هزار مگاوات تقاضای سرمایه‌گذاری در بخش انرژی‌های نو در استان ثبت شده که از این میزان برای ۳هزار مگاوات پروانه بهره‌برداری صادر شده و یک‌هزار و ۲۶۰ مگاوات نیز مقدمات اتصال به شبکه را طی کرده است. وی با تأکید بر پیگیری جدی تعهدات وزارت نیرو در خصوص تأمین پnl‌های خورشیدی استان افزود: رئیس‌جمهور و وزیر نیرو بارها بر تحقق پروژه نیروگاه ۴۵۰ مگاواتی خورشیدی در استان تأکید کرده‌اند. دانشگاه‌ها، شهرک‌های صنعتی، مجتمع‌های اداری و حتی واحدهای خانگی آمادگی کامل برای ورود به این طرح را دارند و انتظار ما این است که وزارت نیرو هرچه سریع‌تر تجهیزات مورد نیاز را در اختیار استان قرار دهد. استاندار آذربایجان شرقی خاطر نشان کرد: ما باید فاصله میان کلنگ‌زنی و افتتاح پروژه‌ها را به حداقل برسانیم. کلنگی که امروز بر زمین زده می‌شود باید در کوتاه‌ترین زمان به قیچی افتتاح منجر شود. در این مسیر مسئولیت پیگیری رفع موانع بروکراتیک بر عهده وزارت نیرو و شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان است و ما در استان با جدیت این مطالبه را دنبال خواهیم کرد.

*

ثبت رکورد تولید نفت در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجد سلیمان

مهندس حسن‌وند گندابی، مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان گفت: به دنبال هدف‌گذاری افزایش تولید مناطق نفتخیز جنوب و تعهد ایجاد شده برای این شرکت با طراحی و اجرای اقدامات فنی و عملیاتی این رکورد و تولید تعهد شده، محقق گردید. مهندس مهران حسن‌وند گندابی گفت: در پی تعهد تکلیفی شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب، این شرکت توانسته است که با برنامه‌ریزی‌های گسترده در بخش‌های مختلف و به همت کارکنان فنی و عملیات و سایر بخش‌های پشتیبانی شرکت رکورد تولید ۱۲۶۰۰۰ بشکه نفت در روز را به ثبت رسانده و همچنان در پی افزایش رکوردهای جدیدی باشد. مهندس حسن‌وند گندابی با اعلام این خبر افزود: به دنبال هدف‌گذاری افزایش تولید مناطق نفتخیز جنوب و تعهد ایجاد شده برای این شرکت با طراحی و اجرای اقدامات فنی و عملیاتی این رکورد و تولید تعهد شده، محقق گردید. شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجد سلیمان یکی از ۵ شرکت بهره‌بردار تابع شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب است که در گستره‌ای به وسعت ۲۲۰۰۰ کیلومترمربع وظیفه تولید صیانتی و ابلაცი از میادین و مخازن نفت‌وگاز که عمدتاً مخازنی با قدمت هستند را بر عهده دارد.

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی شهرستان الیگودرز – سری(۱۳۰) جمعی

۵ _ تقاضای (میرزاقلی سعیدپناه) فرزند (محمدعلی) نسبت به (ششدانگ زمین مزروعی آبباززار) به مساحت (۱۴۱۵۱٫۶۸) متر مربع مجری شده از پلاک شماره (۱۹۷۰) فرعی از (۷۶) اصلی واقع در بخش (۳) خروجی از مالکیت مالک اولیه (سید مرتضی و سید مجتبی مدنی فرزند اسداله مدنی) ۶ – تقاضای (میرزاقلی سعیدپناه) فرزند (محمدمدعلی) نسبت به (ششدانگ زمین مزروعی آببازر) به مساحت (۶۲۲٫۹۷) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره (۱۹۵۵) فرعی از (۷۶) اصلی واقع در بخش (۳) خروجی از مالکیت مالک اولیه (توکل سلیمان زاده – مجید سلیمانزاده)

۷ – تقاضای (میرزاقلی سعیدپناه) فرزند (محمدعلی) نسبت به (ششدانگ زمین مزروعی آببازر) به مساحت (۴۵۰۲) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره (۱۹۰۵) فرعی از (۷۶) اصلی واقع در بخش (۳) خروجی از مالکیت مالک اولیه (کریم گودرزی فرزند حاج ابوطالب)

۸ – تقاضای (میرزاقلی سعیدپناه) فرزند (محمدعلی) نسبت به (ششدانگ زمین مزروعی آببازر) به مساحت (۳۸۲۰٫۶۲) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره (۱۹۸۲) فرعی از (۷۶) اصلی واقع در بخش (۳) خروجی از مالکیت مالک اولیه (سید مرتضی و سید مجتبی مدنی فرزند اسداله مدنی)

۹ – تقاضای (میرزاقلی سعیدپناه) فرزند (محمدعلی) نسبت به (ششدانگ زمین مزروعی آببازر) به مساحت (۱۶۹۳۲٫۴۶) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره (۱۹۸۴) فرعی از (۷۶) اصلی واقع در بخش (۳) خروجی از مالکیت مالک اولیه (سید مرتضی و سید مجتبی مدنی فرزند اسداله مدنی) ۱۰ – تقاضای (میرزاقلی سعیدپناه) فرزند (محمدعلی) نسبت به (ششدانگ زمین مزروعی آببازر) به مساحت (۱۱۴۲۹٫۲۷) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره (۱۹۷۳) فرعی از (۷۶) اصلی واقع در بخش (۳) خروجی از مالکیت اولیه (سید مرتضی و سید مجتبی مدنی فرزند اسداله مدنی)

نقی روشنی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک الیگودرز

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸ نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

شناسه آگهی ۲۰۱۳۰۱۴

م الف ۵۷۹۸

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی شهرستان بروجرد – سری(۳۰۰) جمعی

(فاطمه ملک خورشیدی فرزند حسین)

۵- تقاضای (فاطمه ملک خورشیدی) فرزند (حسین) نسبت به (ششدانگ یک قطعه باغ) به مساحت (۵۲۲/۰۲) متر مربع مجز شده از پلاک شماره (۱۰۴) فرعی از (۴) اصلی واقع در بخش (۳) خروجی از مالکیت مالک اولیه(مالک رسمی)

۶- تقاضای (فاطمه ملک خورشیدی) فرزند (حسین) نسبت به (ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی) به مساحت (۲۴۸۳۹/۸۹) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره (۹۸) فرعی از (۴) اصلی واقع در بخش (۳) خروجی از مالکیت مالک اولیه (مالک رسمی)

۷- تقاضای (فاطمه ملک خورشیدی) فرزند (حسین) نسبت به (ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی) به مساحت (۶۹۹۷/۶۹) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره (۹۹) فرعی از (۴) اصلی واقع در بخش (۳) خروجی از مالکیت مالک اولیه (مالک رسمی)

۸- تقاضای (فاطمه ملک خورشیدی) فرزند (حسین) نسبت به (ششدانگ یک قطعه زمین زراعی) به مساحت (۸۴۹۱/۶۲) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره (۱۰۰) فرعی از (۴) اصلی واقع در بخش (۳) خروجی از مالکیت مالک اولیه (مالک رسمی)

۹- تقاضای (فاطمه ملک خورشیدی) فرزند (حسین) نسبت به (ششدانگ یک قطعه باغ) به مساحت (۳۶۳۳/۵۶) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره (۱۰۳) فرعی از (۴) اصلی واقع در بخش (۳) خروجی از مالکیت مالک اولیه (مالک رسمی)

۱۰- تقاضای (فاطمه ملک خورشیدی) فرزند (حسین) نسبت به (ششدانگ یک قطعه بیشه) به مساحت (۲۳۴۵/۲۶) متر مربع مجزی شده از پلاک شماره (۱۰۱) فرعی از (۴) اصلی واقع در بخش (۳) خروجی از مالکیت مالک اولیه (مالک رسمی)

محمد آجرلو – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بروجرد

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

شناسه آگهی ۲۰۰۰۶۴۲